

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Iran's M.

آئینه ایران

بهرام رحمانی
۲۱ اکتوبر ۲۰۱۸

ایران یک کشور جنگ‌زده و غارت شده است!

(قسمت هفتم)

امنیتی‌شدن محیط زیست و فجایع زیست محیطی

خشک‌سالی و بحران آب، آلودگی هوا و ریزگردها و خشکیدن تالاب‌ها و دریاچه‌ها دور جدیدی از بحران‌هایی را رقم می‌زنند که علاوه بر زیان‌باری اقتصادی عمومی، هستی و حیات مردم بومی را تهدید می‌کنند. در خوزستان مسؤولان اذعان می‌کنند که مقابله با پدیده ریزگردها دست‌کم دو دهه زمان می‌برد؛ در این فاصله - اگر وعده‌ای که می‌دهند، برآوردنی باشد - بر سر مردم چه می‌آید، از جمله بر سر کسانی که زادبوم خود را به‌خاطر مشکل زیست‌محیطی ترک می‌کنند؟ روستاهای سیستان و بلوچستان، خراسان جنوبی و یزد از سکنه خالی می‌شوند، کشاورزان و نخل‌داران اطراف سد گتوند زمین‌های خود را از دست می‌دهند؛ این جمعیت به‌کجا می‌روند؟ گروهی که تا دیروز پروژه‌های بین‌المللی در حوزه حیات وحش خصوصاً یوز ایرانی را پیش می‌بردند و مجوز فعالیت‌شان توسط نیروی انتظامی صادر شده بود، در سکوت کامل خبری بازداشت شدند. بنیان‌گذار این مؤسسه کاووس سیدامامی، استاد تمام دانشگاه امام صادق بود.



بازداشت آن‌ها در شرایطی صورت گرفت که انجمن «حیات وحش میراث پارسیان» همچنان برنامه‌هایش را انجام می‌داد. بعدتر خبر دستگیری جمع هفت نفره فعالان این سازمان توسط حفاظت و اطلاعات سپاه هنوز منتشر نشده بود که خبر خودکشی بنیان‌گذار این سمن محیط زیستی در زندان، جامعه فعالان حوزه محیط زیست را در شوک فرو برد.

درست در همین روزها جعفری دولت‌آبادی دادستان تهران، در گفت‌وگو با ایلنا گفت: «فعال محیط زیست یکی از متهمان پرونده جاسوسی بود.»

بازداشت کاوه مدنی و سکوت عیسی کلانتری بر تمام این ابهامات خبری افزود. ناگفته نماند مرتبط کردن این گروه با پروژه‌های انتقال آب در رسانه‌ها، آن هم در حالی که حوزه فعالیت این گروه هیچ ارتباطی با حوزه آب و منابع آبی نداشت، جای پرسش دارد.

همزمان با این وقایع نامه‌ای منتشر می‌شود که ابوالفضل کریم بیگی نماینده دامغان در دوره‌های سوم و چهارم و رئیس کمیته امنیت آب مجلس در دوره فعلی برای تشکر از کلانتری به او نوشته است. کریم بیگی طی این نامه از کلانتری برای موافقت با انتقال آب خزر به سمنان تشکر می‌کند.

او یکی از سرداران فعال در پروژه‌های عمرانی قرارگاه حمزه سید الشهدا است. این قرارگاه شمال غرب ایران، در کشت و کار در محدوده دریاچه ارومیه و پروژه‌های عمرانی استان‌های آذربایجان غربی و شرقی فعال است. کریم بیگی، در آخرین مصاحبه‌اش با عنوان دبیر کمیسیون امنیت در مورد پرونده کاووس سید امامی، اعلام می‌کند که «انتقال آب حوزه به حوزه» از تفکرات این گروه بوده است. به گفته این فرد «بحران آب موضوعی بود که بر اساس نقشه سرویس‌های جاسوسی صهیونیستی و با کمک این گروه (سمن حامیان حیات وحش پارسیان) در ایران رقم خورده است.»

علاوه بر این، در حالی بر نصب دوربین در محل‌های مختلف نواحی حفاظت شده سراسر ایران توسط فعالان بازداشت‌شده محیط زیست تأکید می‌شود که در دومین روز اسفند ماه، شورای عالی محیط زیست به ریاست حسن روحانی، پیرامون تجدید نظر در خصوص برخی مناطق حفاظت شده کشور تشکیل جلسه می‌دهد. این شورا بدون ذکر جزئیات اعلام می‌کند مناطق مذکور مشکلاتی را برای بخش‌های مختلف بوجود آورده.

همزمان روزنامه‌نگاران محیط زیست احضاریه‌های شفاهی از قوه قضائیه می‌گیرند. افزون بر این، الهه موسوی از محیط زیست نویسنده روزنامه قانون، فعالان متهم به جاسوسی و همچنین سه فعال حوزه حیات وحش در بندر لنگه درسکوت خبری و بدون روشن بودن محل حبس و مجری اجرای حکم به زندان می‌افتند.

در چنین شرایطی، مرگ ۱۶ نفر از فعالان حوزه محیط زیست و کارمندان و بازنشستگان اداره منابع طبیعی و مراتع و جنگلداری در پرواز تهران- یاسوج راه را برای زمزمه‌های بیش‌تر مبنی بر افزایش فشار بر فعالان محیط زیست باز می‌کند. در این میان، سائیتی که مجلس آن را به ارتباط با اسرائیل متهم کرده است با عنوان سایت «عمار یون» اعلام می‌کند که سقوط هواپیمای تهران- یاسوج عمدی بوده و برای کشتن شانزده مسافر فعال محیط زیست متهم به جاسوسی. اما پرسش این‌جاست که چرا حکومت اسلامی، هزینه فعالان حوزه‌های محیط زیست تا این حد بالا برده است؟ چه کسانی از این عدم شفاف‌سازی‌های خبری و تخصیص بودجه به پروژه‌های پر طمطراق و توخالی چون شیرین‌سازی و انتقال و بارورسازی ابرها و مافیای کشت ده‌ها هکتار نهال به‌بهانه مقابله با گرد و خاک، سودهای میلیاردی می‌برند؟

در تمام این پروسه، آنچه روشن است این‌که سازمان محیط زیست نه تنها به عنوان مدافع فعالان این حوزه به معنای حقیقی و حقوقی عمل نکرده است، بلکه در مورد موضوعاتی چون انتقال آب، سد سازی، ساخت و ساز منجر به تجاوز به حریم مناطق حفاظت شده، ترویج کشاورزی تراریخته، مجوز پالایشگاه و کارخانه‌های فولاد و پتروشیمی و ... به عنوان مدافع و جاده صاف کن در انحصار صاحبان صنایع عمل کرده است تا مدافع منافع ملی و سرمایه‌های طبیعی این سرزمین.

رضا اردکانیان، در سمت وزیر نیرو شخصی است که دیدگاه مدیران ارشد تصمیم‌گیری در حوزه آب و انرژی را نمایندگی و باز نمائی می‌کند. در تمام این ماه‌ها رویکرد و توسعه تک قطبی و انحصاری وزارت نیرو با همراهی وزیر کشاورزی، محمود حجتی پیش رفته است.

این روند به گروه‌های مستقل محیط زیست نشان داد که اعتراض و پیشنهادات آن‌ها خطاب به دولت و نگرانی‌هایشان از بحران‌های محیط زیستی چندان مورد توجه نیست و برای دولت و مجلس توجیه قانونی و اجرایی ندارد. تنها بعد مدت کوتاهی انتقادهای بسیار تند عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست و کاوه مدنی معاون او خطاب به سازمان‌های مردم نهاد محیط زیست در رسانه‌ها بحث برانگیز شد. او این گروه‌ها را باجگیر و سیاسی و طلبکار از دولت خطاب کرد و هشدار داد که آن‌ها را محدود خواهد کرد.

از زمانی که در مهرماه امسال اعتراض و انتقاد فعالان زیست محیطی به عملکرد سازمان محیط زیست در واگذاری پارک ۱۸۰ هکتاری پردیسان برای بهسازی به شهرداری تهران بی‌نتیجه ماند، تا دعوی لفظی عیسی کلانتری با نمایندگان خوزستان بر سر مشکلات آب و ریزگردها در این استان، مدت زیادی طول نکشید.

در ماه‌های اخیر، از یکسو اعتراضات کارشناسان و فعالان حوزه محیط زیست بیشتر شده و از سوی دیگر، بی‌توجهی به مسائلی چون قاچاق حیوانات و آتش‌سوزی‌ها در جنگل‌های شمال و مشکلات انتقال آب در جنوب و مرکز ایران به بهانه فقر سازمان محیط زیست و نبود امکانات گسترش افزایش یافته بود.

پس از آن بود که خبر نامه محرمانه رئیس سازمان محیط زیست به رئیس جمهوری، در فضای رسانه‌ای منتشر شد. عیسی کلانتری، طی نامه‌ای مدعی شده بود که هم اکنون در استان خوزستان مازاد مصرف آب وجود دارد و در صورت صرفه‌جویی می‌توان منابع لازم برای انتقال آب بین حوضه‌ای را فراهم کرد. این در حالی است بنابر شهادت و نامه‌نگاری‌های قضائی فعالان محیط زیست زاگرس - از کمپین بزرگ «زاگرس مهربان» گرفته تا «صدای پای آب» و «فریاد کارون» و حامیان حور العظیم، مشکل اصلی بحران آب خوزستان از سوءمدیریت و توسعه‌های بدون در نظر گرفتن آمایش منابع و جغرافیای انسانی و طبیعی نشأت می‌گیرد. بر این فهرست باید اصرار بر ادامه پروژه‌های منفعت‌طلبانه وزارت نفت و نیرو در انتقال آب و بی‌مسئولیتی شرکت‌های سدسازی وابسته به سپاه را هم اضافه کرد.

تا امروز پروژه‌های انتقال آب از کارون و سرچشمه‌های آن، از تونل گلاب گرفته تا کوه‌رنگ سه، بسیاری از لرستانی‌ها و بختیاری‌ها و عرب‌ها را آواره کرده است و سرزمین مادری و بومی‌شان را در خطر خشک‌سالی قرار داده. علاوه بر این، زد و بندهای استانداران غیر بومی در خوزستان با استاندار اصفهان، هم چنین کوچک و بی‌اهمیت خواندن استان کهگیلویه و بویر احمد در مقابل استان اصفهان توسط مهر عزیزاده استاندار اصفهان، خشم زاگرس‌نشینان را برانگیخته است.

اما موضوع مهم دیگری نیز حائز اهمیت است. اعتراض به عملیات‌های به اصطلاح عمرانی، اما به واقع بسیار آسیب‌رسان قراگاه خاتم الانبیا در استان‌های زاگرس و مناطق نفت خیز ایران. این قراگاه نه تنها اجرای طرح اعتراض برانگیز سد گتوند را بر عهده داشت، بلکه مسئول نهالکاری و مالچ‌پاشی هزاران هکتار زمین و بیش از ۲۰ طرح انتقال آب استان خوزستان بود.

اما این نمونه پروژه‌ها مربوط به تمام استان‌ها می‌شود. سمن‌های محیط زیستی بودند که خبر دیدار بی سرو صدا و دور از چشم رسانه‌ها میان عیسی کلانتری و استاندار سمنان، برای کلید زدن پروژه انتقال آب خزر به بخش مرکزی فلات ایران را منتشر کردند.

اعظم بهرامی، فعال محیط زیست می‌گوید: بالاخره در اولین روزهای بهمن ماه، بی‌توجهی به تمامی انتقادات و خواست‌های محیط زیستی مردم به اعتراضی مسالمت‌آمیز مقابل ساختمان استانداری خوزستان انجامید. اعتراضی با خواسته‌های روشن و در مخالفت با تخصیص بودجه برای انتقال آب کارون و همین‌طور افشاگری در مورد لابی نمایندگان استان برای سکوت در مورد پروژه‌های انتقال آب.

در یک نمونه به‌گفته ولی داداشی، عضو کمیسیون اصل نود «برای بستن دهان برخی نمایندگان به پول و رانت متوسل می‌شوند.» در استان کرمان نیز اعتراض مخالفان پروژه‌های انتقال هلیل رود منجر به لغو سفر روحانی به جازموریان شد.

دیدبان حقوق بشر: فعالان محیط زیست بازداشتی در ایران با اتهام افساد فی الارض مواجه شده‌اند

دیدبان حقوق بشر روز پنج‌شنبه ۱۱ اکتبر ۲۰۱۸، با انتشار بیانیه‌ای ضمن تأکید بر ضرورت آزادی فوری ۸ فعال محیط زیست بازداشت شده در ایران، گفت که تعدادی از آن‌ها با اتهام «افساد فی‌الارض» مواجه شده‌اند. در بیانیه‌ای که سازمان دیدبان حقوق بشر درباره ۸ فعال محیط زیست بازداشت‌شده از سوی سازمان اطلاعات سپاه منتشر کرد، آمده که این افراد بدون اتهام واضحی در بازداشت به سر می‌برند و باید فوراً آزاد شده با اتهامات کیفری مشخصی به آن‌ها وارد آید و برای این اتهامات دلایل و شواهد کافی ارائه شود. این نهاد بین‌المللی به‌نقل از منبعی که نخواست نامش فاش شود، اعلام کرد که این افراد با اتهام افساد فی‌الارض مواجه شده‌اند؛ اتهامی که در ایران مجازات اعدام دارد.

هومن جوکار، سپیده کاشانی، نیلوفر بیانی، امیرحسین خالقی، سام رجبی، طاهر قدیریان، مراد طاهباز و کاووس سیدامامی، اعضای یک گروه محیط زیستی به نام «مؤسسه حیات وحش پارسیان»، در ماه ژانویه ۲۰۱۸ از سوی سازمان اطلاعات سپاه پاسداران بازداشت شدند. این افراد متهم هستند که در پوشش فعالیت محیط زیست در حال جاسوس و انتقال اطلاعات سری ایران بوده‌اند.

کاووس سیدامامی در ۸ فوریه ۲۰۱۸ در زندان اوین جان داد. مقامات رسمی ایران، دلیل مرگ کاووس سیدامامی را خودکشی اعلام کردند.

خبرگزاری فرانسه گزارش کرد سارا لی ویتسون، مدیر بخش خاورمیانه دیده‌بان حقوق بشر، نیز گفته که قوه قضائیه ایران «دوباره در حال نمایش نقش کلیدی‌اش در دستگاه سرکوب حکومتی، در عوض دفاع از عدالت است.»

خشک‌سالی، کم‌آبی و فجایع زیست محیطی

عیسی کلانتری، رئیس سازمان حفاظت محیط زیست در مراسمی (جمعه ۲۵ خرداد ۱۳۹۷)، در مشهد گفت که رتبه محیط زیستی ایران در میان ۱۸۰ کشور جهان بالاتر از ۱۰۰ است. عیسی کلانتری ایران را یکی از سرافکننده‌ترین کشورهای جهان در زمینه حفظ محیط زیست معرفی کرد که حتی جرات ندارد شاخص‌های واقعی محیط زیست خود را در مجامع جهانی بیان کند. او با استناد به آمار و ارقام زیست محیطی، ایران را یکی از جوامعی خواند که «بیش‌ترین ظلم را به محیط زیست خود روا داشته است.»

کلانتری گفت: «امروز ۷۰ درصد جمعیت کشور در معرض بی‌آبی شدید قرار دارد، به‌طوری که سرانه آب ۷۰ درصد جمعیت ایران به کمتر از ۵۰۰ متر مکعب رسیده، در حالی که بر اساس معیارهای جهانی سرانه آب زیر ۱۰۰۰ متر مکعب به منزله وضعیت بحرانی است.» رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، در ادامه افزود که امروز خراسان رضوی ۱۳۰ درصد منابع آبی تجدیدنپذیر خود را مصرف می‌کند که وحشتناک‌ترین رقمی است که می‌توان در جهان پیدا کرد. او تصریح کرد که میزان استفاده از منابع آب تجدیدنپذیر در ایران، رقم ۱۱۰ درصد است و بعد از ایران با بالاترین مصرف آب کشور چاد است که ۶۳ درصد منابع آبی‌اش را استفاده می‌کند.

عیسی کلانتری گفت که وضعیت محیط زیست ایران چنان وخیم است که از سازمان حفاظت محیط زیست با هفت هزار نفر پرسنل کاری ساخته نیست. او گفت: «از محیط زیست ایران باید ۸۰ میلیون نفر حفاظت کنند.»

او وضعیت معادن کشور را نیز وخیم خواند و گفت: «معادن کشور یک بار مصرف شده‌اند، یعنی معدن را تخریب، بهره‌برداری و رها می‌کنند و به سراغ جای دیگری می‌روند.» او اضافه کرد: «بر روی تمام رودخانه‌های کشور سد بسته‌ایم بدون آن‌که حق و حقوق زنده ماندن کشور را در نظر بگیریم» به‌طوری که مردم خوزستان بیش از ۱۰۰ روز در سال با مشکل گرد و غبار و تعطیلی روبه‌رو هستند. کلانتری تصریح کرد: دریاچه‌های کشور در نتیجه همین سدسازی‌های بی‌رویه خشک شده و شیراز امروز به جهنم بدل گشته است.

کلانتری تأکید کرد که «در به وجود آمدن این وضع، نه آمریکا، نه روسیه و نه اسرائیل هیچ دخالتی نداشته‌اند و همه این وضعیت را خودمان به وجود آورده‌ایم.»

او گفت: «هم اکنون ده کلانشهر کشور با آلودگی شدید هوا مواجه‌اند. پسماند شمال کشور را غیرقابل زیست کرده و سه استان کشور زیر پسماند دفن شده‌اند. در شهر همدان فرونشست‌های چند ده متری صورت گرفته چون هر قدر توانسته‌ایم آب زیرزمین‌اش را بیرون کشیده‌ایم.»

به گفته عیسی کلانتری، خشک‌شدن رودخانه‌ها به نابودی تالاب‌ها انجامیده است. او تصریح کرد که «در حوزه دریاچه ارومیه ۶۹ درصد آب تجدیدپذیر مصرف می‌شود چون ۳۷ سد بر روی رودخانه‌های دریاچه ساخته شده و مسیر تمام آب‌های ورودی به این دریاچه بسته شده‌اند.»

بحران آب در ایران

بحران آب در ایران، هنوز برای بسیاری از اقشار جامعه به یک باور تبدیل نشده است؛ چرا که به باور انبوهی از مردم، این سرزمین همیشه با مشکل کم‌آبی دست‌وپنجه نرم کرده و حالا هم وضع بحرانی نیست! همین نگاه تا چندی پیش در بدنه مدیریتی کشور هم دیده می‌شد و کسی باور نداشت که مشکل داریم. بحث گسترده کردن جمعیت تازه و بیشتر ایرانی در عرصه‌های خاکی ایران هم یکی از همین استدلال‌ها بود که در دوره‌های اخیر مطرح می‌شد. اما حالا با تغییر رویکردهای مدیریتی کشور برخی مسائل اندک‌اندک روشن شده و برخی مسئولان متوجه وخامت اوضاع شده و کارهایی را برای مدیریت این بخش شروع کرده‌اند. آن‌طور که عیسی کلانتری، مشاور معاون اول رئیس‌جمهوری در امور آب، کشاورزی و محیط زیست در این خصوص می‌گوید، در سال‌های گذشته وزارت نیرو جرات اعتراف به واقعیت را نداشت؛ اما حالا بحران خشکسالی به اندازه‌ای رسیده که مسئولان متوجه قهقرای کشور شده‌اند، زیرا درحال حاضر ۷۰ درصد جمعیت کشور با سرانه زیر ۹۰۰ مترمکعب آب در سال زندگی می‌کنند و این از نظر استانداردهای جهانی یعنی رخداد فاجعه بزرگ. عیسی کلانتری که به‌تازگی سمت مشاوره از معاون اول دریافت کرده است، غروب شنبه به بنیاد ملی امید ایرانیان رفته بود تا در جمع خبرنگاران، کارشناسان و پژوهشگران از همین واقعیت‌ها و وضع آبی کشور گزارشی دقیق دهد.

«۹۷ درصد آب‌های سطحی را خشک کردیم عیسی کلانتری، وزیر کشاورزی دوران سازندگی در این جلسه با اعلام آمار تکان‌دهنده از ذخایر آبی کشور گفت: ایران با بهره‌برداری از ۹۷ درصد آب‌های سطحی خود عملاً تمام رودخانه‌های خود را خشک کرده است و دیگر آبی در طبیعت باقی نمانده است. او ادامه داد: این موضوع به معنای آن است که اگر به همین وضع ادامه دهیم حدود ۷۰ درصد ایرانیان یعنی جمعیتی معادل ۵۰ میلیون نفر برای زنده ماندن ناچار به مهاجرت از کشور هستند.»

کلانتری با بیان این‌که سرانه آب تجدیدپذیر کشور به ۱۰۱ میلیارد مکعب رسیده است. بحرانی‌ترین وضع خشکسالی جهان در ایران کلانتری با بیان این نکته که در زمینه بحران خشکسالی واقعیت‌هایی گفته نشده یا کتمان شده است یا با ناآگاهی از آن گذشته‌ایم، گفت: مسؤولان دولتی تا امروز باور نداشتند که کشور دارد رو به قهقرا می‌رود و حالا متوجه این موضوع شده‌اند که کمی دیر است؛ مطابق با استانداردهای جهانی درصد بهره‌برداری از آب‌های سطحی نباید بیشتر از ۴۰ درصد باشد. این درحالی است که بیش‌تر کشورهای پیشرفته حد ایده‌آل بهره‌برداری برای حفظ منابع آبی خود را لحاظ کرده‌اند که حداکثر ۲۵ درصد برداشت است. او افزود: تنها دو کشور در جهان وجود دارد که با بهره‌برداری بی‌رویه از منابع آب‌های سطحی در معرض بحران جدی قرار گرفته‌اند و آن دو کشور ایران و مصر است. این در شرایطی است که میزان بهره‌برداری از آب‌های سطحی در مصر به ۴۶ درصد و در ایران با اختلاف فاحش به ۹۷ درصد رسیده است. برای این‌که عمق فاجعه را بهتر متوجه شوید عملکرد برخی از کشورهای جهان را در بهره‌برداری از آب‌های سطحی سرزمین‌شان مرور می‌کنیم: ژاپن ۱۹ درصد، امریکا ۲۱ درصد، چین ۲۹ درصد، هند ۳۳ درصد و در کشوری مانند اسپانیا که از لحاظ اقلیم و ویژگی‌های جغرافیایی به ایران شباهت دارد تنها ۲۵ درصد. وزیر دولت پنجم گفت: این موضوع به آن معنی است که حتی در صورت بارش ایده‌آل و نفوذ آب به زیر زمین، جایی برای ذخیره آن وجود ندارد، در نتیجه آب در سطح خاک جاری شده و تبخیر می‌شود. این موضوع شورتر شدن خاک و از دست رفتن حاصلخیزی آن را به دنبال داشته است. در حال حاضر وضع آبی برخی از شهرهای ایران به سطحی رسیده است که آن شهرها از نظر تعاریف علمی و استانداردهای جهانی به «شهر مرده» تعبیر می‌شوند. به‌عنوان مثال درحال حاضر شاهرود و نیشابور از نظر هیدرولوژی شهر مرده به حساب می‌آیند و بخش عمده‌ای از شهرستان رفسنجان نیز شهر مرده تلقی می‌شود. ۵۰ میلیون ایرانی باید مهاجرت کنند وزیر اسبق کشاورزی با تأکید بر این‌که بحران خشکسالی در ایران به وضعیتی رسیده است که حیات و تمدن سرزمین در معرض تهدید قرار گرفته است، گفت: مطابق برآوردهای علمی، منابع کشتش تأمین نیازهای جمعیت فعلی ایران را ندارد و در آینده نه‌چندان دور حدود ۷۰ درصد جمعیت ایران باید از کشور مهاجرت کنند اما با وضع دیپلماسی خارجی ایران، کدام کشورها حاضرند ۴۰ تا ۵۰ میلیون ایرانی را اسکان دهند؟! وی ادامه داد: درحال حاضر در جزیره ماندیل هند ادامه سکونت غیرممکن شده است و این جزیره گاه و بیگاه به زیر آب می‌رود. این در شرایطی است که ماندیل تنها ۳۰۰ هزار نفر جمعیت دارد اما دولت هند برای انتقال این جمعیت دچار دردسر شده است. ما چگونه می‌خواهیم برای اسکان قریب به ۵۰ میلیون نفر ایرانی چاره‌اندیشی کنیم؟ گفتند توسعه پایدار غرب‌زدگی است! کلانتری اشتباه‌های مدیریتی در دوره‌های گذشته را باعث رسیدن به این نقطه دانست و گفت: زمانی آمدیم گفتیم سیاست‌گذاری‌ها برای منابع کشور در راستای توسعه پایدار باشد اما عده‌ای گفتند توسعه پایدار و اصول غربی را کنار بگذارید. خود بنده در زمان ریاست‌جمهوری آقای خاتمی به خانم دکتر ابتکار شخصا نامه نوشتم و گفتم واقعا آب نیست و از لحاظ منابع آبی داریم رو به‌بحران می‌رویم. ایشان بی‌توجه شد و گفت چنین چیزی نیست! سازمان محیط‌زیست در ایران تا امروز یک سازمان مرده و تشریفاتی بوده است. همین الان آقایان هنوز دارند درباره خودکفائی در محصولات کشاورزی صحبت می‌کنند. برای نوشتن برنامه ششم دوباره موضوع خودکفائی را به میان کشیدند که من برگشتم به آقای نوبخت گفتم تو را به دین و ایمانت بگو این مزخرفات را کنار بریزند. او افزود: با این منابع آبی موجود و در صورت استفاده از مدرن‌ترین تکنولوژی‌های صنعتی و در صورت فرض محال رسیدن به بهرهوری ۱/۵ درصد تا سال ۱۴۰۴ تنها می‌توانیم برای ۳۳ میلیون نفر غذا تولید کنیم. این در شرایطی است که بهرهوری ما درحال حاضر تنها ۰/۲ درصد است. وی تأکید کرد: من حتی در این زمینه به مقام معظم رهبری نیز نامه نوشتم و آمار و ارقام و گزارش علمی خدمت‌شان ارایه دادم. گفتم اگر می‌خواهیم به جمعیت ۱۵۰

میلیون نفر برسیم قبل از هر چیز باید منابع آبی را نجات دهیم و پس از آن توان تولید ما در کشاورزی، تأمین غذا برای ۳۳ میلیون نفر است برای تأمین غذای بقیه جمعیت باید به واردات فکر کرد. هزینه کلان برای تبدیل آب شیرین به آب شورتر از دریا! کلانتری شیرین کردن آب را همراه با هزینه بسیار گزافی دانست و بیان داشت: در بسیاری از موارد شیرین کردن آب شور صرفه اقتصادی ندارد. جالب است که بدانید اشتباه‌های مدیریتی سال‌های گذشته باعث شده است که ما هزینه کلانی بدهیم و آب شیرین‌مان را به آب شور تبدیل کنیم آن هم آب شوری که غلظت نمک آن ۳/۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است! وی افزود: در سال ۵۱ امریکائی‌ها به ایران آمدند و درباره پروژه احداث سد گتوند پژوهش کردند. طبق گزارش امریکائی‌ها محل سد باید ۱۴/۵ کیلومتر پائین‌تر از مخزن سد قرار می‌گرفت. علت این موضوع وجود گنبد‌های نمکی گزارش شده بود اما مدیران وقت این گزارش‌ها را خیانت امریکا به ایران دانستند و سد را روی گنبد‌های نمکی احداث کردند. در آن زمان ۱۳۰ میلیارد تومان هزینه شد تا پتوی رسی روی گنبد‌های نمکی قرار بگیرد اما با اولین آبیگیری تمام پتوهای رسی از بین رفته و آب شیرین پشت سدها به آب شوری تبدیل شد که غلظت نمک آن ۳/۵ برابر غلظت نمک آب دریای عمان است. حالا این سد با مجموع سرمایه‌گذاری ۳ هزار و ۶۰۰ میلیارد تومان علاوه بر شور کردن آب شیرین، سالانه ۳/۵ تن نمک به اراضی خوزستان اضافه می‌کند و خاک حاصلخیز منطقه را شور کرده است. سدسازی بی‌حساب و کتاب رودخانه‌ها را خشک کرد عیسی کلانتری همچنین با برگشت به عقب گفت: در زمان آقای احمدی‌نژاد، به ایشان اعلام شد اشتباه دوم را انجام نده و سد را آبیگیری نکن که آب شیرین به آب شور تبدیل شود اما ایشان کار را به پیمان‌کار واگذار کرد تا دو خط لوله به طول ۲۷۰ کیلومتر از زیر سد رد کنند. برای این کار ۲ هزار و ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه شد که در نهایت از لوله‌ای به قطر یک متر و ۱۰ سانتی‌متر تنها ۲۰۰ لیتر آب خروجی داشته باشیم. او افزود: مشکل ما نه تنها به برداشت بی‌رویه آب مربوط می‌شود که سدسازی‌های بی‌حساب و کتاب به این مشکلات دامن زده است. مسؤولان ما از سدسازی به‌عنوان سند افتخار خود یاد می‌کنند اما از بس سد ساخته شده است دیگر در رودخانه‌ها آبی جاری نمی‌شود. درحال حاضر ۴۲ درصد روان‌آب‌ها به دلیل سدسازی کاهش داشته و به خشک شدن بسیاری از رودخانه‌ها منجر شده است. هزینه جبران از ۵۰ میلیارد به ۲۵ هزار میلیارد تومان رسید مشاور معاون اول رئیس‌جمهوری با اشاره به این‌که در شرایط فعلی برای نجات کشور از بحران خشک‌سالی نیازمند اقدامات فوری هستیم، تأکید کرد: برای این‌که بتوانیم ظرف ۵ تا ۶ سال آینده به حالت نرمال برسیم باید سطح برداشت آب از منابع‌مان را به نصف برسانیم و کار را باید از همین امروز شروع کنیم چرا که تا الان هم دیر شده است. باید سطح برداشت آب از ۹۶ میلیارد مترمکعب به ۵۶ میلیارد مترمکعب برسد. او گفت: این موضوع درحال حاضر برای ما ۲۰ تا ۲۵ هزار میلیارد تومان هزینه دارد این در صورتی است که در دوره خاتمی این موضوع را تنها با ۵۰ تا ۱۰۰ میلیارد تومان هزینه می‌شد مدیریت کرد اما متأسفانه مدیران کشور تا امروز باور نداشتند که بحران جدی است و حالا این موضوع کم‌کم دارد بین دولت‌مردان جامی‌افتد و البته این هزینه گزاف هم برای نجات تمدن ایران و کشور ضروری و غیرقابل اجتناب است. آب، نفت نیست. بلایی که ما سر نفت آوردیم را نمی‌توانیم سر آب بیاوریم زیرا حیات‌مان و موجودیت کشور به آب بستگی دارد. دولت نباید از موضع عده‌ای بترسد کلانتری با اشاره به این‌که در زمینه فرهنگ‌سازی آب با یک مشکل عمده مواجه هستیم، گفت: برای اجرای سیاست‌های نجات‌بخش آب باید جدیت داشته باشیم و از واکنش عده‌ای نترسیم. در حال حاضر ما بنا داریم آب کشاورزی را به نصف برسانیم و برای این کار بودجه تأمین و آماده شده است تا سهم آب کشاورزان را خریداری کنیم اما دولت نگران واکنش مجلس و بقیه است. خود بنده در یکی دو روز گذشته چند جلسه خصوصی با آقای چیت‌چیان وزیر نیرو داشته‌ام تا ایشان را توجیه کنم که از واکنش نماینده‌های مجلس نترسد. نهایت این موضوع استیضاح است اما بحران آب دیگر شوخی‌بردار نیست. او

تأکید کرد: اولین مصوبه دولت و اولین شعار آقای روحانی در زمان انتخابات احیای دریاچه ارومیه بوده است. ایشان با وجود آن که به وعده خود عمل کرد و برای خرید حقابه کشاورزان بودجه مورد نیاز را هم کنار گذاشت اما با اظهارات تند دو سه نماینده محلی در مجلس سریع عقب‌نشینی کرد. دولت باید برای نجات کشور از بحران خشکسالی جسارت و جدیت بیشتری به خرج دهد. هنگام اجرای پروژه‌ها کم‌سوادیم! مشاور معاون اول رئیس‌جمهوری در پایان نشست به پاسخ‌گوئی به خبرنگاران و حاضران در جلسه پرداخت. او به پرسشی درباره احیای این دریاچه و سمتی که او در این پروژه دارد، پاسخ داد: «شهروند» در سوالی از هدررفت بودجه کشور در نتیجه طرح‌های کارشناسی نشده و از جمله طرح احداث میان‌گذر شهید کلانتری دریاچه ارومیه پرسید تا کلانتری توضیح دهد: در زمان احداث میان‌گذر شهیدکلانتری دریاچه ارومیه، طرح کارشناسی شد و مطالعات به درستی انجام گرفت؛ طبق مطالعات انجام شده بنا شد در ۳/۵ کیلومتری غرب دریاچه که ۹۹/۷ درصد جریان آب از آن منطقه می‌گذرد، پل دیگری احداث شود اما آن پل را حذف کردند. وی افزود: مشکل ما این است که زمان اجرای پروژه‌ها یا کم‌سواد هستیم یا اتفاقات را پیش‌بینی نمی‌کنیم یا نظر کارشناسی را باور نداریم. مجموع این فرهنگ مدیریتی باعث می‌شود بودجه‌های عمرانی کشور هدر رود. کلانتری همچنین در پاسخ به پرسش دیگر مبنی بر طرح خرید آب شیرین از کشورهای همسایه گفت: این طرح غیرقابل اجراست زیرا عمدتاً همسایگان ما منابع کافی برای صادرات آب شیرین را در اختیار ندارند، در این زمینه با چند کشور نیز مذاکره شده اما نتیجه‌بخش نبوده است. به عنوان مثال تاجیکستان اعلام کرد آبی برای صادرات ندارد و جمهوری‌آذربایجان نیز حاضر شد سالانه ۱۵۰ تا ۲۵۰ میلیون مترمکعب آب به ایران انتقال دهد آن هم برای مدت محدود که با هزینه‌های سنگین حمل‌ونقل و میزان ناچیز توافق شده، این طرح توجیه اقتصادی کافی ندارد. (منبع: روزنامه شهروند، ۷ اردیبهشت ۱۳۹۴)

کوچ اجباری!

مسأله مهاجرت در کوتاه مدت بروز و ظهور پیدا نمی‌کند و باید در برنامه‌ریزی‌های جمعیتی که همواره بلندمدت پیش‌بینی می‌شوند درباره آسیب‌هایی که روی جمعیت اثر می‌گذارند، بررسی صورت گیرد؛ موضوعی که روزنامه قانون درباره آن به ارایه گزارشی پرداخت.

در ادامه این گزارش آمده است؛ خوزستانی‌ها غیرت‌شان را گذاشتند تا ایران را حفظ کنند. اگر همین حالا زنگ در هر خانه‌ای را بزنی یک شهید، جانباز یا مفقود الاثر دارد. خوزستانی‌ها روزهای جنگ سهم‌شان از وطن خون و آتش بود و حالا آلودگی هوا و قطعی برق. از همان روزهای جنگ سیل مهاجرت‌ها به مناطق هم‌جوار این استان شروع شد. عده‌ای به استان‌های همسایه مهاجرت کردند و عده‌ای به استان‌های دورتر.

حالا که سال‌ها از جنگ می‌گذرد هنوز این سیل مهاجرت‌ها ادامه دارد. مهاجران هیچ وقت به شهرشان بازنگشتند اما روزهای سخت و تلخ‌شان را فراموش نکردند. چند سال بعد از جنگ کم‌کم پای ریزگردها و آلودگی هوا به اهواز و خوزستان باز شد. ریزگردها و گرد و غبارها کیلومترها راه را از عراق طی کردند و به ایران رسیدند. مصیبت و بیماری شروع شد. روزهایی که هوا چنان گرم و کثیف بود که چشم چشم را در خیابان نمی‌دید. در خانه‌ها بیماری و اضطراب و افسردگی غوغا می‌کرد.

برونشیت‌های طولانی مدت، عفونت‌های تنفسی در کودکان، بیماری‌های قلبی و عروقی، امراض انسدادی مزمن ریه، آسم و آلرژی سوغاتی بود که بعد از جنگ سراغشان آمد و زندگی‌شان را فلج کرد. در فصل‌های آلوده سال باید هر چه دارند و ندارند را خرج درمان بیماری‌هایشان کنند و به سفره‌های خالی از نان شب‌شان چشم بدوزند. مرگ و میرهای

زودرس هم یکی از سوغات های ریزگردهاست. بیمارانی که بعد از مدت ها دست و پنجه نرم کردن با بیماری های ناشی از آلودگی هوا فوت می کنند، در حالی که در یکی از غنی ترین استان های کشور زندگی می کنند. اما آنچه مهم به نظر می رسد این که هیچگاه آمار قطعی از میزان مرگ و میرها از این منطقه داده نشده است، چون همیشه اگر مسؤولی آماری را ارائه کرده مسؤول دیگر آن را رد کرده است. البته این تأیید و تکذیب در موارد دیگر هم مصداق دارد که آن مهاجرت است؛ مهاجرتی که از دهه های گذشته در استان های مختلف کشور به دلایل عذیده اتفاق افتاده است.

حالا از هر خوزستانی ای که علت مهاجرتش را بررسی دلایل فراوانی برای آن دارد. بدی آب و هوا، گرد و غبار، امکانات رفاهی و تفریحی کم، وضعیت نامناسب عمران شهرها، آب شرب نامناسب و از بین رفتن و خشک شدن تدریجی رودخانه های استان به خصوص کارون، عدم امنیت مناسب شهروندان، فرهنگ نامناسب شهروندی، خدمات ضعیف در ادارت و طرز برخوردها بر مردم، گرانی و هزینه بالای زندگی را عنوان می کنند و زندگی و خطراتشان را به تن در و دیوارهای شهر می گذارند و می روند تا در سرزمینی دیگر و دور از شهر خودشان شاید اندکی آرامش را تجربه کنند. در این که آمار مهاجرت در خوزستان بالاست شکی نیست چون بارها و بارها این مسأله عنوان شده است اما آهنگ رشد آن در هر دوره ای افزایش و کاهش داشته است. مهاجرت در استان های جنوب غربی کشور به دو علت کم آبی و ریزگردها اتفاق می افتد. اما این که چه قدر تعادل جمعیتی از اقوام در آن وجود دارد نیز مسأله مهمی است.

هنوز هیچ آماری از مهاجرت در صدی قومیت ها اعلام نشده اما این بی توجهی به استان خوزستان بیشتر اقوام فارس را از منطقه تاراند و عرب نشین ها همچنان در این منطقه زندگی می کنند. منابعی می گویند عرب هایی که تعدادشان از فارس های منطقه، قبل از جنگ کمتر بود حالا تعدادشان با فارس های منطقه یکی شده است. این شاید نگرانی را برای به هم خوردن بافت جمعیتی از اقوام مختلف در این منطقه بوجود بیاورد.

اما هدایت ... خادمی؛ نماینده مردم ایذه در مجلس در گفت و گو با «قانون» پیامدهای منفی ریزگردها در خوزستان را فراتر از حوزه سلامت دانسته و گفته: «تغییر ترکیب جمعیتی نگران کننده خواهد بود. بسیاری از ساکنان این مناطق که توانایی دارند وطن خود را ترک می کنند و به جای آن ها کسانی ساکن این مناطق خواهند شد که تعادل جمعیتی را به نحو نگران کننده ای برهم می زنند». او در ادامه با اشاره به این که خوزستان منطقه ای صنعتی و کشاورزی است که نیاز به نیروی انسانی دارد و باید کاری کرد که این نیروی انسانی از خوزستان نرود، افزود: «خود بومیان برای فرار از شرایط موجود بهانه های بسیاری دارند. هیچ کس در وهله اول حاضر به ترک وطن خود نیست و گرمای شدید، فقدان امکانات و عدم رسیدگی به مشکلات منجر به مهاجرت مردم خوزستان می شود. تغییرات دولت ها نیز موجب تغییر شرایط در خوزستان نشده و همچنان ریزگردها علاوه بر مشکلات قبلی دشواری جدیدی برای زندگی مردم خوزستان ایجاد کرده است».

این نماینده مجلس به ناتوانی بخشی از اهالی این منطقه برای مهاجرت اشاره می کند و در ادامه می گوید: «بعضی ساکنان خوزستان که دچار ریزگردها شده اند به این دلیل که امکان مهاجرت ندارند در منطقه ماندنی شده اند و با انواع و اقسام بیماری ها دست و پنجه نرم می کنند. آن ها هر روز مجبور به نظافت ملک و منزل هستند و مکرر ناچار به مراجعه پزشک بوده است».

او درباره منشا ورود ریزگردها به ایران می گوید: «همه می دانند که بخشی از ریزگردها از کشورهای همسایه می آید و بخشی ناشی از قطع درختان نخل است، همچنین معلول از بین رفتن تالاب ها و محیط زیست خوزستان است».

او در ادامه تداوم مهاجرت ها از استان خوزستان را خطرناک عنوان می کند و می گوید: «در صورت تداوم مهاجرت مردم خوزستان که یک استان مرزی است معلوم نیست چه کسانی جایگزین آن ها در این سرزمین شوند».

در حالی که نگرانی‌ها مدام از افزایش مهاجرت در این شهرها افزایش پیدا می‌کند و هشدارها پشت سر هم اعلام می‌شود، هنوز هیچ آمار قطعی از این مهاجرت‌ها حتی در سایت مرکز آمار ایران وجود ندارد و اگر هم تحقیقی حساب شده در این امر صورت گرفته شده باشد محرمانه بوده و به اطلاع عموم نرسیده است.

در سایت مرکز آمار ایران تنها آماری کلی از این مهاجرت‌ها وجود دارد. یعنی آمار «مهاجران وارد شده» و «مهاجران خارج شده» از استان در آن دیده می‌شود. همچنین بررسی «استان‌های مهاجرپذیر» و «استان‌های مهاجرفرست» در آن وجود دارد که استادان جمعیت‌شناسی هم با برآوردهای آماری روی آن‌ها، می‌توانند نظراتی نسبی و غیرقطعی ارائه دهند.

اما نماینده مردم بوشهر هم سیل مهاجرت‌ها از استان‌های جنوبی کشور را نگران‌کننده دانسته و در گفت‌وگو با «قانون» با اشاره به این‌که سیل مهاجرت‌ها تمام منطقه را تهدید می‌کند گفته: «به‌هر حال سیل مهاجرت به‌خصوص برای اقوام فارس از منطقه مشکلات زیادی را به‌وجود آورده است و از جوانب مختلف منطقه را تهدید می‌کند.»

در ادامه عبدالحمید خدری درباره به‌هم خوردن تعادل جمعیتی و مشکلات ایجاد شده ادامه می‌دهد: «تا به حال تلاش‌های بسیار زیادی در منطقه برای رفع این مشکل انجام شده اما نباید نقش عوامل خارجی را در این مسأله نادیده گرفت.» (ایرنا، ۱۳۹۶/۱۱/۱۷)

در حالی که هیچ آمار دقیقی از مهاجرت‌ها در خوزستان وجود ندارد در فاصله سال‌های ۹۰ تا ۹۵، ۲۴۰ هزار نفر از جمعیت استان خوزستان خارج شده‌اند و ۱۶۱ هزار نفر وارد این استان شده‌اند و باز هم حدود ۸۰ هزار نفر تفاوت وجود دارد که از استان خارج شده‌اند.

مهاجرت از استان سیستان و بلوچستان

عیسی کلانتری، رئیس سازمان محیط زیست که عیسی کلانتری که به استان سیستان و بلوچستان سفر کرده، شامگاه ۲۴ مهر ۱۳۹۷، در نشست کارگروه احیای تالاب هامون و مقابله با گرد و غبار سیستان و بلوچستان که در زاهدان برگزار شد، اعلام کرد که بدترین خشکسالی در ایران در استان سیستان و بلوچستان اتفاق افتاده است. رئیس سازمان حفاظت محیط زیست گفت سیستان با توجه به شرایط حاکم ناشی از خشکسالی‌های پی در پی و عواقب آن به‌منطقه‌ای خاص از نظر زندگی و غیر قابل تصور در جهان از نظر دوام انسان‌ها تبدیل شده طوری که در صورت فراهم نشدن امکانات و نرسیدن به این منطقه، مردم دوام نمی‌آورند. کلانتری گفت در این شرایط ضرورت دارد که مردم از حقیقت آگاه شوند: مردم باید قبول کنند که هامون دیگر آن هامون پرآب سال‌های گذشته نخواهد بود و این اتفاق هیچ زمان نمی‌افتد. کلانتری گفت در سیستان دیگر کشاورزی نمی‌تواند تأمین‌کننده معیشت کل باشد، زیرا آبی وجود ندارد و نخواهد داشت.

خشکسالی سیستان و بلوچستان تشدید شده اما ساکنان این استان جنوب شرقی ایران، فقط با مشکل بی‌آبی مواجه نیستند. حالا خشکی به وزیدن طوفان‌های شن گسترده، گردوغبار شدید، آتش‌سوزی، گرسنگی و شیوع سل انجامیده است. دولت حسن روحانی تاکنون برنامه‌ای برای مقابله با این خشکسالی شدید اجرا نکرده است. یکی از آخرین تمهیدها را علی اصغر پیوندی، رئیس جمعیت هلال احمر چنین توصیف می‌کند: «راه‌اندازی کمپین نذر آب؟!»
به گفته پیوندی، علاوه بر نذر آب که جزئیات بیشتری از آن منتشر نشده است، بسته‌های غذایی نیز بین مردم توزیع خواهد شد.

همزمان محسن حیدری، سرپرست اداره کل هواشناسی سیستان و بلوچستان در خبری هشداردهنده اعلام کرد که «گردوغبار گسترده حداقل ۴۰ شهر و هشت هزار روستا را فراگرفته است.»

برخاستن این میزان گردوغبار به خاطر وزیدن بادهای ۱۲۰ روزه با سرعتی معادل ۱۰۴ کیلومتر بر زمینهای خشکیده سیستان و بلوچستان، بهویژه تالابهای خشکیده هامون است.

شدت گردوغبار چنان شدید است که میزان غلظت ذرات معلق در هوای زابل به ۲۲ برابر استاندارد جهانی و در هوای زاهدان، به ۱۵ برابر رسیده. به بیماران، سالخوردگان و کودکان توصیه شده است که از خانهها بیرون نروند.

گردوغبار به شیوع بیماریهای تنفسی و چشمی و قلبی دامن زده است. رضا اربابی، مدیرکل دفتر مدیریت بحران استانداری سیستان و بلوچستان سهشنبه به خبرگزاری «مهر» گفته بود که بر اثر طوفان شن در منطقه سیستان ۱۵۷ تن روانه بیمارستانها و مراکز درمانی شدهاند.

خبرگزاری رسمی جمهوری اسلامی(ایرنا) نیز از شیوع بیماری سل بر اثر خشکی هامون خبر داده است. هرچند سل در بسیاری نقاط جهان ریشهکن شده است، سیستان و بلوچستان بالاترین آمار ابتلاء به این بیماری را در ایران دارد. ایرنا می‌نویسد که زمینه رشد این بیماری در سیستان و بلوچستان به خاطر همجواری آن با کشور جنگ‌زده افغانستان مساعد است.

اربابی می‌گوید به‌خاطر وزش شدید طوفان شن همه بیمارستانها، مراکز خدمات درمانی و نیروهای امدادرسان در حال آماده‌باش هستند.

خشکی و گرمای هوا نخلستانها را نیز قربانی کرده است. شیرزاد کمالی، مدیر جهاد کشاورزی سراوان به مهر می‌گوید که ۱۱ تیر آتش‌سوزی در شهرستان سراوان بیش از ۱۰ هکتار نخلستان را در کام خود فرو برد. به گفته او، این آتش‌سوزی یک هزار و ۷۰۰ اصله درخت نخل را سوزاند. هزار درخت از میان این درختان بارده بودند. علت اصلی این آتش‌سوزی هنوز مشخص نشده است.

ایران به‌خاطر بحران خشکسالی در سیستان و بلوچستان در حال مذاکره با افغانستان است. تهران پیش از این کابل را به‌خاطر پرداخت نکردن حق‌آبه هیرمند و هریود تهدید کرده بود اما به تازگی دو کشور بر سر این مسأله به توافقهای کلی دست یافته‌اند.

ایران یکی از دلایل خشکی دریاچه هامون را عدم تأمین حق‌آبه این دریاچه از رودخانه هیرمند می‌داند. مهاجرت از سیستان در این سالها چنان گسترده بوده که گاهی مسئولان غافل از ریشه‌هایش حتی با جلوگیری از خروج کامیونهای باری مردم از مرزهای استان سعی کرده‌اند در مقابلش بایستند.

در سالهای طولانی خشکسالی دریاچه هامون، دل‌کنندگان دیار، تنها مختص قشر خاصی از مردم نبوده است؛ از روستائیان و هامون‌نشینان تا سرمایه‌داران و طبقه متوسط شهری، بسیاری هر آنچه داشته‌اند برداشته‌اند و رفته‌اند؛ از روستا، از شهر، از استان و گاهی از کشور. به گفته یکی از نمایندگان سیستان و بلوچستان در مجلس، در ۲ دهه اخیر ۲۵ تا ۳۰ درصد جمعیت منطقه سیستان مهاجرت کرده‌اند اما با گذری به تالاب هامون و سرزدن به روستاهای مخروبه و خالی از سکنه می‌توان دریافت که درصد مهاجران می‌تواند بیش از این باشد.

نزدیک به ۱۷ سال است که کوچ اجباری مسیر زندگی خیلی از مردم این منطقه را تغییر داده است؛ کشاورزان، دامداران و صیادان بسیاری که بدون آب زندگی دیگر برایشان معنائی نداشت. اما همه مهاجران سرنوشت یکسانی نداشتند؛ ساکنان سرزمینی که روزگاری انبار غله ایران بود یا توان مالی این را داشتند که در جایی دیگر دوباره کشاورز و دامدار و صیاد شوند یا نداشتند و کارگران زمینهای استانهای مجاور شدند. روند مهاجرت‌ها در منطقه

سیستان همچنان ادامه دارد و مرکز آمار ایران اعلام کرده است که در فاصله سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ بیش از ۹۰۰۰ نفر از مرزنشینان شمال استان سیستان و بلوچستان به استان‌های دیگر مهاجر کرده‌اند. همچنین از آغاز دوره طولانی خشکسالی (۱۳۷۹) تاکنون بیش از ۷۰ هزار بهره‌بردار بخش کشاورزی و ۳۰۰۰ صیاد ساکن در تالاب هامون بیکار شده‌اند.

مهاجرت گسترده نه تنها روستاها را خالی از سکنه کرده است بلکه به گفته مردم قیمت مسکن در شهر زابل به عنوان قلب این منطقه هم در این چند سال تا ۵۰ درصد کاهش یافته است و افرادی هستند که منازل مسکونی و ملک‌های تجاری خود را مدت‌هاست برای فروش گذاشته‌اند و همچنان موفق به فروش آن‌ها نشده‌اند. یکی از ساکنان زابل که زمانی کارمند اداره شیلات بوده از مهاجرت می‌گوید: «از اواخر دهه ۷۰ که خشکسالی آغاز شد خیلی از مردم مهاجرت کردند. البته یک مهاجرت گسترده هم در زمان خشکسالی دهه ۵۰ داشتیم. در سال ۵۰ بسیاری از مردم سیستان به استان گلستان مهاجرت کردند و خیلی‌هایشان به سختی توانستند آنجا کار و زندگی فراهم کنند. در این دور از خشکسالی هم خیلی‌ها از این‌جا رفتند و هنوز هم در حال رفتن هستند. آن‌ها که توان مالی داشتند در شهرهای دیگر زمین و خانه خریدند اما بسیاری از کشاورزان و دامداران با خشک شدن زمین‌ها و مرگ دام‌هایشان، برای کارگری به شهرهای اطراف رفتند. آن‌هایی هم که در روستاها مانده‌اند یا توان رفتن ندارند یا امید دارند خشکسالی تمام شود و آب و آبادانی به روستاهایشان برگردد. بیش از خشکسالی به چشم دیده‌ام که روزانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ تن ماهی از این اسکله صید می‌شده است.»

یکی از دلایلی که به مهاجرت پس از خشکسالی دامن زد بسته شدن مرزها در منطقه سیستان بود. بستن شدن مرزها با هدف جلوگیری از قاچاق سوخت، مواد مخدر و کالا انجام شد اما پس از آن، سازوکار قانونی مناسبی برای مبادلات تجاری مرزنشینان صورت نگرفت و نتیجه‌اش شد بیکاری یا بزهکاری.

برخی پژوهش‌های انجام‌شده در سیستان نشان می‌دهد که یافتن شغل، مهم‌ترین دلیل مهاجرت از این منطقه است. مهاجرت از روستاها و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر، پیامدهای اجتماعی متعددی داشته است. این آثار سوء هم بر مهاجران و هم بر جمعیت مبدا و مقصد مهاجر تأثیر گذاشته است...

به عقیده کارشناسان، توجه به پیشینه مشترک تاریخی و فرهنگی مردمان دو سوی مرز می‌تواند به پیشروی مذاکرات مربوط به حقایق کمک کند. جلب مشارکت مردم دو سوی مرز به عنوان اصلی‌ترین بهره‌برداران، برای احیای تالاب هامون ضروری است؛ مردمی که تغییرات اکوسیستم منطقه معیشت‌شان را سخت به خطر انداخته است. وقتی صحبت از بین‌المللی بودن تالاب می‌شود قاعدتاً مرز نباید معنائی داشته باشد و پایبندی به معاهدات بین‌المللی برای احیای یک سرمایه جهانی از ضرورت‌هاست. تالاب هامون ویژگی خاصی دارد و آن دوپاره بودنش است. بخش بالادست این تالاب در کشور افغانستان قرار گرفته است و در نتیجه آب قسمت گسترده‌ای از هامون که در ایران قرار دارد از کشور همسایه تأمین می‌شود. سهم آب ایران موضوعی بود که در سال‌های پربابی برای مسؤولان در اولویت قرار نداشت و انگار فراموش شده بود اما با شروع دوره خشکسالی، سدسازی‌های کشور همسایه بر گلوئ هامون و قطع آب ورودی به تالاب، اثرات خشکسالی بر طبیعت منطقه را دوچندان کرد. رودخانه هیرمند به عنوان چشمه حیات هامون، سال‌هاست مرز میان ۲ کشور و محل مناقشه است. برای احیای هامون باید این مرزها را کنار زد.

بر اساس مطالعات هواشناسی در ۳۰ سال گذشته و دیتاهای اطلس باد «سازمان انرژی‌های نو» بادهای منطقه سیستان از لحاظ قدرت و تداوم و جهت وزش ثابت در رتبه‌های نخست قرار دارد اما عدم سرمایه‌گذاری مناسب در این حوزه، این بادهای را به هدر داده است. این بادهای می‌توانند برق بخش قابل توجهی از کشور را تأمین کنند.

خشکسالی مردم را دل‌مرده کرده و دل‌مردگی شهر هم مزید بر علت شده تا روح و روان آن‌ها آزار ببیند. تحمل طوفان‌های مداوم شن در شهری که نه رنگ دارد و نه روح سخت است. علاوه بر این، جای خالی فضا‌های شهری مثل پارک، سینما، اماکن تفریحی و جاهائی که مردم کمی از وقت خود را در آن‌ها بگذرانند به‌شدت احساس می‌شود. در این شهر بی‌روح مردم نیز انگار دیگر به محیط پیرامون خود احساس تعلقی ندارند. این شهر دل‌مرده با وجود قدمتی طولانی هر روز از لحاظ بصری و شرایط زیست با وضعیتی بدتر روبه‌رو می‌شود و ساکنانش دیگر دل‌خوشی برای ماندن ندارند. فاضلاب خانه‌ها در کوچه و خیابان دفع می‌شود. تمیزی و زیبایی ۲ واژه بیگانه با بسیاری از محلات شهری زایل است.

خشکسالی مردم را دل‌مرده کرده و دل‌مردگی شهر هم مزید بر علت شده تا روح و روان آنها آزار ببیند. تحمل توفان‌های مداوم شن در شهری که نه رنگ دارد و نه روح سخت است. علاوه بر این، جای خالی فضا‌های شهری مثل پارک، سینما، اماکن تفریحی و جاهائی که مردم کمی از وقت خود را در آن‌ها بگذرانند به‌شدت احساس می‌شود. (تابناک، ۵ اردیبهشت ۱۳۹۷ - ۲۵ اپریل ۲۰۱۸)

اعتراض کشاورزان اصفهان

کشاورزان اصفهان پنج‌شنبه ۲۶ مهر ۱۳۹۷، در چند شهر استان اصفهان، بار دیگر در اعتراض به عدم تأمین حق‌آبه تجمع کردند. دور تازه اعتراضات کشاورزان اصفهان از حدود دو هفته پیش آغاز شده و همچنان ادامه دارد. کشاورزان معترض که تراکتور و دیگر ماشین‌آلات کشاورزی را در میداين ورودی شهرهای مختلف استان اصفهان پارک می‌کنند، می‌گویند که وعده مسؤولان مبنی بر تأمین حق‌آبه کشت پائیزه تحقق نیافته است. محسن مهرعلیزاده استاندار اصفهان، پیش‌تر گفته بود که با اجرای طرح آب‌چرخانی مشکل کشاورزان برطرف خواهد شد. این طرح اما با مخالفت نمایندگان مجلس شورای اسلامی روبه‌رو شده است. علاوه بر این کشاورزان کمک بلاعوض و تسهیلات بانکی که به منظور جبران زیان کشاورزان پرداخت شده، «بسیار کم» و «توهین‌آمیز» است.

به‌گفته آن‌ها، دولت تنها به‌شمار محدودی از کشاورزان مبلغ ۵۰۰ هزار تومان کمک بلاعوض پرداخته است. یکی دیگر از تعهدات دولت به کشاورزان هم‌زمان با اعتراضات زمستان سال گذشته و بهار امسال، استهمال وام‌های بانکی آنان بود. این طرح اما تا به‌حال اجرائی نشده است. او مسؤولان دولتی را عامل بروز مشکل دانسته و گفته که «کشاورزان اصفهان می‌بینند آب از جلوی چشم‌هایشان به استان دیگری می‌رود و می‌دانند مشکل ما تنها خشکسالی نیست بلکه عدم مدیریت و به‌هم خوردن رژیم حقوقی زاینده رود است.»

بخشی از آب زاینده‌رود به استان یزد منتقل می‌شود. دو روز قبل عده‌ای از معترضان، به یکی از حوضچه‌های حوالی ایستگاه قارنه در منطقه بهارستان حمله کردند و خط لوله انتقال آب در این محل را مجدداً تخریب کردند. محمود زمانی قمی، استاندار یزد نیز بلافاصله برای رایزنی و گفت‌وگو با مقامات عالی در وزارت نیرو به تهران رفت. این بیست و دومین باری است که معترضان خط لوله انتقال آب به یزد را می‌شکنند.

مرگ دریاچه ارومیه

دریاچه ارومیه به عنوان بزرگترین دریاچه داخلی ایران و البته با دارا بودن اکوسیستمی با ارزش در جهان و ایران، همواره برای دانشمندان، محققان، علاقه‌مندان به محیط زیست و البته بسیاری از افراد دیگر ارزشمند و نقطه حساسی بوده است. دریاچه ارومیه از سال ۱۳۴۶ به دلیل موقعیت و ویژگی‌های طبیعی و اکولوژیکی که دارد به عنوان پارک ملی به ثبت رسید.

دریاچه ارومیه در میان استان‌های آذربایجان شرقی و آذربایجان غربی قرار گرفته است. ارتفاع دریاچه ۱۳۰۰ متر از سطح دریا است. در گذشته متوسط عمق دریاچه، حدود ۶ متر بوده است. طول آن نیز به ۱۲۰ کیلومتر و پهنایش به ۱۵ تا ۵۰ کیلومتر می‌رسید که مساحتی حدود ۵۰۰۰ تا ۶۰۰۰ کیلومتر مربع را شامل می‌شد. مساحتی که هم اکنون دیگر شاهد آن نیستیم. دریاچه ارومیه به همراه جزایر کیودان و قیون داغی از مناطق حفاظت شده محسوب می‌شود. همچنین در یونسکو به عنوان منطقه حفاظت شده زیست کره به ثبت رسیده است.

در مجموع می‌توان ۳ عامل را عامل خشک شدن دریاچه ارومیه دانست که شامل برداشت بیش از حد مجاز از منابع آبی حوضه آبریز دریاچه، توسعه بی‌رویه بخش کشاورزی در اطراف دریاچه با بهره‌برداری از آب‌های این حوضه و شاید در نهایت، تشدید تغییرات اقلیمی و وقوع خشکسالی در کنار دو عامل دیگر است.

عوامل خشک شدن دریاچه ارومیه، حکومت اسلامی و سپاه پاسداران آن است. در مسیر رودخانه‌هایی که در حوضه آبریز دریاچه ارومیه قرار گرفته‌اند، سدهای بی‌شماری ساخته شده است. در آذربایجان غربی و ارومیه حدود ۲۲ سد ساخته شده که ۸ عدد از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده است. در استان آذربایجان شرقی از بین ۳۶ سد احداث شده حدود ۲۲ سد به بهره‌برداری رسیده و ۴ سد نیز در استان کردستان ساخته شده است. یعنی چیزی در حدود ۶۲ د که حدود ۳۴ سد از آن‌ها به بهره‌برداری رسیده و میزان آب ورودی به دریاچه را کاهش داده است. در مجموع بر اساس برخی از آمارها می‌توان گفت که حدود ۴۴ سد در طی ۳ دهه گذشته بر روی حوضه آبریز دریاچه ارومیه ساخته شده است.

در اطراف دریاچه ارومیه و حوضه آبریز دریاچه در طی این سال‌ها حدود ۴۸ هزار حلقه چاه غیرمجاز حفر شده است که این موضوع باعث کاهش سطح آب‌های زیرزمینی و میزان آب‌های زیرزمینی این منطقه شده است. در این منطقه حدود ۶۸۰ هزار هکتار سطح در زیر کشت قرار گرفته است. در سال‌های ۱۳۵۲ - ۱۳۵۱ این میزان معادل ۶۹۷/۷ میلیون متر مکعب بوده در حالی که در سال‌های ۱۳۹۳ - ۱۳۹۲ مقدار بهره برداری به ۲۴۰۱/۶ میلیون متر مکعب یعنی چیزی در حدود ۳/۵ برابر سال‌های قبل رسیده است.

در واقع در این دو دهه گذشته دمای هوای کره زمین به میزان ۲ درجه سانتی‌گراد افزایش یافته که باعث کمبود بارش‌های فصلی و تشدید بحران افزایش گرمای هوا شده است. با این حال، این موضوع را به عنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه نمی‌توان در نظر گرفت. چرا که آمارهای بارش سالانه در حوضه آبریز دریاچه ارومیه در مدت ۵۰ سال اخیر بیان می‌کند که در این حوضه ما شاهد کاهش چشمگیر بارندگی نبوده‌ایم. متوسط بارندگی در حوضه آبریز دریاچه ارومیه نزدیک به ۳۵۱ میلی‌متر است. این میزان تنها در ۳ سال متوالی ۱۳۷۷ تا ۱۳۷۹ کاهش پیدا کرد و به زیر خط نرمال بارندگی منطقه رسید. اما در دیگر سال‌ها، میزان بارش در حد نرمال بوده است. پس افزایش دمای هوا و کاهش بارندگی را نمی‌توان به عنوان عامل خشک شدن دریاچه ارومیه دانست.

در سال‌های اخیر احداث جاده‌ای غیراصولی از میان دریاچه ارومیه باعث دو نیم شدن دریاچه ارومیه شده که بعضی از کارشناسان اذهان داشته‌اند این موضوع نیز می‌تواند عامل خشک شدن دریاچه ارومیه باشد. این کارشناسان گفته‌اند که این جاده در روند طبیعی دریاچه اختلال ایجاد کرده و در کنار عوامل دیگر باعث خشک شدن دریاچه ارومیه شده است.

به گفته مهندس مرتضی حقوقی، عضو هیات رئیسه جامعه مهندسی مشاور و رئیس کمیته محیط زیست این مجمع، برای نجات این دریاچه باید سدهائی که بر روی رودخانه‌های آبریز دریاچه ساخته شده باز شوند و آب آن‌ها به درون دریاچه جاری شود. همچنین صرفه‌جویی در مصرف آب در زمینه کشاورزی منطقه هم می‌تواند از مهمترین عوامل نجات دریاچه ارومیه دانست. همچنین باید از حفر چاه‌های غیرمجاز جلوگیری کرد. چاه‌های احداث شده نیز باید شناسائی و از برداشت بی‌رویه آب‌ها توسط این چاه‌ها جلوگیری شود.

در واقع به دلیل تمام عواملی که در بالا ذکر شد، هم‌اکنون یک سوم سطح آب دریاچه کاهش یافته و خشک شده است. اگر این روند ادامه پیدا کند در سال‌های آتی شاهد خشک‌شده کامل این زیست کره و نابودی کامل آن خواهیم بود. روزنامه شهروند ۶ فوریه ۲۰۱۷، به نقل از عیسی کلانتری، دبیر و مجری این کارگروه اگرچه به حیات دوباره دریاچه نوشت: نجات دریاچه با دست خالی نمی‌شود.

یکسال است که بودجه‌ای به دریاچه ارومیه اختصاص نیافته و این موضوع اعضای کارگروه ملی نجات دریاچه را نگران کرده است. عیسی کلانتری، می‌گوید: «با دست خالی نمی‌توان کاری کرد.» و «چون بودجه احیا به موقع داده نشده، دریاچه هم طبق برنامه در سال ۱۴۰۲ احیا نخواهد شد.»

خشک‌شدن دریاچه ارومیه، بادهای نمکی ایجاد می‌کند. این شرایط اگر ادامه پیدا کنند فقط در یک دهه می‌تواند ریشه کشاورزی منطقه را بخشکاند.

مرگ ۸۱۰ نفر از تهرانی‌ها بر اثر آلودگی هوا در یک سال

رئیس کارگروه سلامت هوای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مرگ ۴ هزار و ۸۱۰ نفر از ساکنان تهران بر اثر آلودگی هوا در سال ۹۵ خبر داد.

عباس شاهسونی رئیس کارگروه سلامت هوای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی، در نشست تشریح راهکارهای کاهش آلودگی هوا در کلانشهرها گفت: براساس این اندازمگیری غلظت آلودگی هوا در ۲۵ شهر با جمعیت ۳۰ میلیون نفر مورد تحلیل قرار گرفت که طی سال ۹۴، ۱۲ هزار و ۷۹۸ نفر بر اثر ذرات معلق و آلودگی هوا جان خود را از دست داده‌اند.

وی افزود: فوت این تعداد افراد به‌صورت غیرمستقیم بر اثر آلودگی هوا انجام گرفته است یعنی این‌که افراد فوت شده بیماری‌های تنفسی، قلبی و عروقی داشته‌اند که تحت تأثیر آلودگی هوا این مشکلات افزوده شده و باعث مرگ آن‌ها شده است.

شاهسونی از مرگ ۴ هزار و ۸۱۰ نفر از ساکنان تهران بر اثر آلودگی هوا در سال ۹۵ خبر داد و گفت: اندازمگیری تعداد جان‌باختگان بر اثر آلودگی هوا به جمعیت شهرها نیز بستگی دارد و قطعاً تهران با توجه به جمعیت بالائی که دارد بیش‌ترین آمار مرگ و میر در آلودگی هوا را به‌خود اختصاص می‌دهد.

عوامل مختلفی در آلودگی هوا نقش دارند که از جمله آن‌ها می‌توان به انتشار گازهای گلخانه‌ای از جمله دی‌اکسید کربن از سوی کارخانه‌ها اشاره کرد علاوه بر آن خودروها مهم‌ترین عامل آلودگی هوا هستند و دودی حاوی ۱۰۰۰ عنصر سمی را وارد اتمسفر می‌کنند و این عامل ۶۰ تا ۹۰ درصد آلودگی هوا در کشورهای صنعتی است.

نقش این عامل در آلودگی هوای شهر تهران ۷۰ درصد است، همچنین ۷۸۰ هزار موتورسیکلت روزانه در تهران مونواکسید کربن تولید می‌کنند و ۴۵ درصد آلودگی هوای تهران ناشی از حرکت ۴۰۰ هزار دستگاه موتورسیکلت کاربراتوری و فرسوده است که در هر کیلومتر ۴۰ گرم گازهای آلاینده تولید می‌کنند.

یک عضو شورای اسلامی شهر تهران با اشاره به آماری از قربانیان آلودگی هوا در شهر تهران، گفت: در تهرانی زندگی می‌کنیم که قربانیان آلودگی هوا معادل سقوط یک ایرباس ۵۰۰ نفره در هر هفته است.

به گزارش ایسنا، یکشنبه ۷ آبان ۱۳۹۶، مجید فراهانی در هفدهمین جلسه علنی شورای اسلامی شهر تهران، ری و تجریش در تذکری در پی ارائه گزارش رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، گفت: انتظار این بود که امروز برنامه عملیاتی به شکل مدون توسط رئیس سازمان حفاظت محیط زیست ارائه می‌شد که وظایف هر یک از دستگاه‌ها در آن مشخص شده باشد.

او افزود: سازمان حفاظت محیط زیست موظف بود برابر قانون ظرف مدت ۱۰ سال شرایط هوا را به کیفیت سالم و قابل تنفس می‌رساند. این در شرایطی است که طرح جامع حمل و نقل شهر تهران نیز به تصویب رسیده است. وی تأکید کرد: متأسفانه در تهران بر اساس آمار در سال ۱۳۸۴ بیش از ۱۰ هزار نفر بر اثر آلودگی هوا کشته شده‌اند که در سال ۱۳۹۵ این رقم به بیش از دو برابر افزایش یافته است. این بدین معناست که در تهرانی زندگی می‌کنیم که هفته‌ای یک ایرباس ۵۰۰ نفره در آن سقوط می‌کند و کسی به آن توجهی ندارد. تهران جزو سه شهری که بدترین کیفیت هوا را دارد قرار گرفته است.

به گزارش ایسنا، ۷ آذر ۱۳۹۶، پروفیسور «علیرضا مصداقی‌نیا» در بیستمین همایش ملی و دومین همایش بین‌المللی بهداشت محیط و توسعه پایدار که به میزبانی استان یزد برگزار شد، با بیان این‌که ایران سومین کشور به لحاظ جمعیت و ۱۸ کشور از نظر مساحت در دنیا و ۱۷ کشور پرجمعیت دنیاست، اظهار کرد: برخورداری از اقلیم‌های مختلف از جمله ویژگی‌های ایران است.

وی تغییرات جمعیتی را از جمله مشکلات ایران دانست و افزود: در حال حاضر بیش از ۷۰ درصد جمعیت ایران شهرنشین هستند و مابقی روستا نشین هستند و این در حالی است که در قبل از این آمار جمعیتی ایران در حالت معکوس با شرایط فعلی بوده است.

رئیس انجمن علمی بهداشت محیط ایران، در ادامه با بیان این‌که توجه به مدیریت تولید و مصرف مواد غذایی را یکی از ضرورت‌های اجرائی در راستای تأمین بهداشت محیط عنوان کرد و گفت: سرمایه‌گذاری در حوزه تأمین بهداشت محیط به‌طور کامل نقش مهمی در کاهش هزینه‌های درمانی ایفا می‌کند.

مصداقی‌نیا در بخش دیگری از سخنان خود با اشاره به نقش آلودگی هوا در تأمین سلامت عمومی جامعه، تصریح کرد: در ایران سالانه ۳۳ هزار نفر به دلیل آلودگی هوا در معرض خطر مرگ قرار می‌گیرند.

این مقام مسؤول با بیان این که عدم تعادل بارش باران در نقاط مختلف یکی دیگر مشکلات ایران است، اظهار کرد: خشکسالی‌های مستمر و گسترده از دیگر مشکلات ایران در حوزه بارش باران است.

مصداقی‌نیا در ادامه جنگل‌زدایی را از دیگر مهم‌ترین معضلات حوزه بهداشت محیط دانست و بیان کرد: طی ۳۰ سال گذشته مساحت جنگل‌های ایران به نصف کاهش یافته است.

*محمد رازقی، رئیس اداره آب و فاضلاب روستائی شهرستان شوش در استان خوزستان، گفت کاهش دبی در رودخانه کرخه موجب قطع شبکه آب آشامیدنی در ۴۳ روستای بخش شاور این شهرستان شده است. به گفته این مقام محلی سطح آب رودخانه به قدری پائین آمده که دیگر تأمین آب این روستاها با جمعیتی حدود ۱۸ هزار نفر ممکن نبوده است. رئیس اداره آب و فاضلاب روستائی شوش، همچنین گفته است که حتی با جابه‌جائی پمپ‌های اسکله تأسیسات آبرسانی هم دیگر نمی‌توان آب رودخانه را به مجتمع آبرسانی انتقال داد.

علاوه بر آن تعداد زیادی از روستاهای استان خوزستان با مشکل افت فشار آب هم روبه‌رو هستند.

محمد فاتحی، مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستائی (آبفار) یزد هم اطلاع داده که آب آشامیدنی ۶۰۰ روستا در این استان جیره‌بندی شده است. او همچنین گفته است که برای رفع مشکل کمبود آب اقدام‌هایی از جمله حفر، تجهیز و بهسازی ۴۵ حلقه چاه، اصلاح و بازسازی ۱۱۶ کیلومتر خطوط شبکه توزیع و انتقال آب انجام شده است.

به گفته فاتحی، هم اکنون ۳۵۰ روستای یزد مشکل کمبود آب دارند، ۱۵۰ روستا در مناطق کوهستانی و سخت‌گذر استان قرار دارند که با بی‌آبی روبه‌رو هستند.

برای رفع مشکلات آب مقامات محلی گفته‌اند که انتقال آب شرب با استفاده از ۵۲۵ دستگاه تانکر ثابت و ۱۶ تانکر سیار انجام می‌شود.

به گفته مدیر عامل شرکت آب و فاضلاب روستائی (آبفار) یزد، تاکنون ۱۱۰ منبع آبی استان یزد خشک و از مدار تولید خارج شده و ۱۸۰ مورد هم با کاهش شدید آبدی مواجه هستند.

استان یزد بر پایه سرشماری آبان ماه ۱۳۹۵، یک میلیون و ۱۳۸ هزار نفر جمعیت دارد که ۸۵ درصد اهالی در ۲۱ شهر و بقیه در روستاها و آبادی‌ها زندگی می‌کنند.

*همایش بررسی ساختار تشکیلاتی مدیریت منابع طبیعی و محیط زیست ایران روز گذشته یکشنبه ۲۳ مهر ۹۶، در دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران برگزار شده بود. یکی از سخنرانان این همایش عیسی کلانتری، معاون رئیس جمهور و رئیس سازمان حفاظت محیط زیست، بود.

عیسی کلانتری، تمام مشکلات و بحران‌های زیست‌محیطی امروز ایران را حاصل سیاست‌های نادرستی دانست که از زمان تأسیس حکومت اسلامی اعمال شده است. او تأکید کرد که در این سال‌ها «هر دشمنی در این سرزمین حاکم می‌شد» این رفتار را با منابع طبیعی و محیط زیست انجام نمی‌داد.

افزون بر این عیسی کلانتری در حالی مدیران قبلی را مسؤول تمام بحران‌های زیست محیطی کنونی معرفی می‌کند که خود از سال ۶۸ تا ۸۱ وزیر کشاورزی بوده و به همین دلیل در اجرای «سیاست‌های احساسی» مخرب یا عدم جلوگیری از آن‌ها نقش و مسؤولیت مستقیم داشته است.

رئیس سازمان محیط زیست، با اشاره به وضعیت بحرانی اغلب تالاب‌ها و دریاچه‌های ایران که کارشناسان یکی از علت‌های افزایش گرد و غبار را خشک شدن آنها می‌دانند گفت: «امروز یک تالاب و دریاچه زنده در کشور نداریم و از این متعجب هستیم که چرا حجم ریزگردهای کشور افزایش یافته است.»

*شاهرخ فتاح، رئیس مرکز ملی خشکسالی و مدیریت بحران سازمان هواشناسی، گفته است در حال حاضر حدود ۳۰ درصد از مساحت ایران دچار خشکسالی شدید و بسیار شدید است و این وضعیت در استان‌های تهران، البرز، قزوین، فارس، خراسان رضوی، شمال و جنوب کهگیلویه و بویراحمد، خوزستان، بوشهر، کرمان، کرمانشاه، یزد و سمنان تداوم دارد.

به گزارش ایسنا فتاح گفت: «هیچ نقطه‌ای از کشور نیست که در بازه بلندمدت با درجاتی از خشکسالی مواجه نباشد، حدود ۹۵ درصد مساحت کشور دچار خشکسالی است که ۱۱ درصد آن خشکسالی خفیف، ۳۹ درصد خشکسالی متوسط، ۳۳ درصد خشکسالی شدید و ۱۳ درصد خشکسالی بسیار شدید است و تنها نیم درصد مساحت کشور دارای ترسالی است.»

به اعتقاد برخی کارشناسان، آوارگی و مهاجرت‌های گسترده درون‌کشوری و درگیری و نزاع بر سر آب از پیامدهای این وضعیت بحرانی است.

*خبرگزاری هرانا، سه‌شنبه ۱۲ تیر ۱۳۹۷، نوشت: ورود آب خام به شبکه توزیع آب شهرک دریا کرج باعث مسمومیت و بیماری‌های گوارشی چند تن از ساکنین این منطقه شد. ساکنین این منطقه در پی بیماری‌های گوارشی به مراکز درمانی مراجعه کردند.

به گزارش خبرگزاری هرانا، اخیراً چند تن از اهالی شهرک دریا کرج طی تماس‌هایی از ابتلا ساکنین این منطقه به بیماری‌های گوارشی و مراجعه به مراکز درمانی خبر دادند؛ پس از بررسی خبرنگار ایسنا، مشخص شد که آب شرب علت اصلی این موضوع بوده است.

شهرام حافظ، مدیر آبفای شهری کلانشهر کرج در این خصوص به خبرنگار ایسنا توضیح داد: «پس از اطلاع از ورود آب خام به شبکه توزیع آب شهرک دریا، بلافاصله ضمن استقرار اکیپ کنترل کیفیت جهت نمونه‌برداری و انجام آزمایشات لازم، عملیات تست و شو و ضدعفونی شبکه توسط واحد امداد و حوادث آغاز شد.»

او در خصوص علت این حادثه اظهار کرد: «قطع برق در روزهای گذشته و جاری و خاموش شدن پمپ‌چاه‌های منطقه باعث شد شبکه توزیع از آب خالی و فشار منفی در شبکه ایجاد شود.»

*رئیس اداره محیط زیست شهر ری با بیان این‌که بیش از ۸۰ درصد پسماندهای تهران به شهر ری منتقل می‌شود، گفت: همچنین روزانه ۳۵۰۰ تن نخاله ساختمانی وارد شهر ری می‌شود، بدون این‌که هیچ مکان مشخصی برای آن‌ها در نظر گرفته شده باشد و عمده آن‌ها در کنار جاده‌ها رها می‌شود.

به گزارش ایلنا، سه‌شنبه ۱۲ تیر ماه ۱۳۹۷، زهره عبادتی در خصوص آلودگی‌های زیست محیطی متعدد در شهر ری با بیان این‌که این منطقه بافت صنعتی پیدا کرده، گفت: اضافه شدن صنوف و صنایع مزاحم به این شهر علاوه بر فعالیت واحدهای غیرمجاز باعث شده، انواع و اقسام آلودگی‌ها به این شهرستان تحمیل شود. رئیس اداره محیط زیست شهر ری با اشاره به بالا بودن شاخص آلودگی هوا در شهر ری به ویژه در فصول پائیز و زمستان گفت: عمده مخاطرات زیست محیطی شهر ری به دلیل صنعتی شدن بی‌رویه این شهرستان است...

رئیس اداره محیط زیست شهر ری با بیان این‌که ۵۰ درصد پسماندهای صنعتی استان تهران در شهر ری تولید می‌شود، خاطرنشان کرد: شهر ری یک شهر صنعتی است و بیش‌تر واحدهای صنعتی استان تهران در این شهرستان است. نیمی از پسماندهای صنعتی در این شهرستان تولید می‌شود که نیاز به مدیریت و نظارت بیش‌تر دارد، البته اقداماتی انجام شده اما کافی نیست، چرا که حجم پسماند و آن چیزی که تخلیه می‌شود، آنقدر زیاد است که با اقدامات جزئی و کوتاه مدت مشکل حل نمی‌شود.

*مصطفی هاشمی‌طبا، عضو مجمع تشخیص مصلحت نظام گفته است: در صورت حل نشدن مشکل آب، هم ایران از بین می‌رود و هم جمهوری اسلامی.

*در اعتراض به بحران آب، این بار مردم برازجان واقع در استان بوشهر در مقابل فرمانداری این شهرستان تظاهرات کردند. رسانه‌های ایران از «درخواست برازجانی‌ها از مسئولان برای نظم‌دهی به توزیع آب» نوشتند.

خبرگزاری صدا و سیما، گزارش داده است که «تعدادی از مردم» برازجان مرکز شهرستان دشتستان از مسئولان خواستند که به وضع آب این شهرستان نظم بدهند.

در ویدیوهایی که در شبکه‌های اجتماعی و یوتیوب انتشار یافته تظاهرکنندگان در مقابل فرمانداری برازجان شعار می‌دهند: «اگر فرماندار نیاد، امشب قیامت می‌شه»، «یه دزدی هم کم بشه، مشکل ما حل می‌شه» و «مشکل ما همین‌جاست، دروغ می‌گن امریکااست».

در هفته‌های گذشته، شهرهای بزرگی مانند آبادان و خرمشهر استان خوزستان در جنوب ایران هم شاهد تظاهرات مردم در اعتراض به بحران آب بود. در این تظاهرات بنا به گفته مقامات قضائی کشور تعداد زیادی هم دستگیر شده‌اند. بحران آب در جنوب کشور در قیاس با سایر نقاط ایران حادث‌تر است.

مهرداد ستوده معاون امور عمرانی استاندار بوشهر گفت: «با توجه به کاهش بیش از ۵۰ درصدی ورودی آب از خط کازرون به دشتستان، بخشی از آب این شهرستان را از خط کوثر تأمین خواهیم کرد.»

کیقباد یاکیده، مدیرعامل شرکت آب و فاضلاب استان بوشهر هم از حفرچاه برای حل بحران کم‌آبی خبر داده است. او در این باره تأکید کرد: «حفر ۱۱ حلقه چاه در دستور کار است که دو حلقه چاه تاکنون حفر شده و دو حلقه چاه دیگر نیز تا هفته آینده یا کمی دیرتر به بهره‌برداری خواهد رسید.»

تجمعاتی اعتراضی در آبادان، اهواز، بندر ماهشهر، سربندر، خور موسی، کوت عبدالله و مناطقی دیگر از استان خوزستان در همبستگی با اعتراضات در خرمشهر برگزار شده است. خبرگزاری دولتی ایران از درگیری در آبادان خبر داده است.

اخبار و ویدیوهای تجمعات اعتراضی «شامگاه یکشنبه ۱۱ تیر - ۲ ژوئیه، در شهرهای مختلف استان خوزستان عمدتاً در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده است.

به گزارش خبرگزاری جمهوری اسلامی (ایرنا)، معترضان «شعارهای انتقادی» سر دادند. ایرنا می‌نویسد تظاهرکنندگان «نظم عمومی را بر هم زدند» و برخی از آن‌ها با «پرتاب اشیا و سنگ» با مأموران انتظامی و امنیتی درگیر شدند.

خبرگزاری کار ایران (ایلنا)، به نقل از عبدالرضا رحمانی فضلی، وزیر کشور جمهوری اسلامی گزارش داده که در خرمشهر «فقط یک نفر» زخمی شده که در بیمارستان بستری شده است. به گفته وزیر کشور در خرمشهر هیچ کس کشته نشده است.

ولی‌الله حیاتی، فرماندار خرمشهر، هم در گفت‌وگو با خبرگزاری صدا و سیما جمهوری اسلامی خبر کشته‌شدن معترضان در خرمشهر را نادرست خوانده، اما شمار زخمی‌ها را پنج نفر خوانده که جراحاتشان «سطحی» بوده است. پیش‌تر گزارش‌هایی مبنی بر کشته شدن حداقل یک نفر در درگیری‌های شبانه شب در شبکه‌های اجتماعی منتشر شده بود.

بحران آب تنها به نواحی مرکزی و جنوبی ایران محدود نمی‌شود. خطه سرسبز و باران‌زای شمال ایران نیز به درجاتی از خشکسالی و تفتیدگی زمین مبتلاست. دسترسی به آب شرب در چند روستای پیرامون ساری دشوار شده است.

*بنا به گزارش خبرگزاری هرانا، چهارشنبه ۱۶ خرداد ۱۳۹۷، زهرا جنسی (عضو جمعیت زنان و جوانان مبارزه با آلودگی محیط زیست گیلان)، با اشاره به وضعیت بسیار حاد تالاب انزلی گفت: «متأسفانه سال‌هاست که عمق بسیاری از بخش‌های عمیق انزلی به یک متر رسیده، این درحالی است که امسال در همین بخش‌ها نیم‌متر آب هم وجود ندارد.»

وی با اشاره به تالاب بین‌المللی امیرکلاهی خاطرنشان کرد: «متأسفانه این روزها از دور و نزدیک می‌شنویم که مسئولان در حال برنامه‌ریزی برای تالاب‌هایی هستند که اهمیت زیادی دارند مانند امیرکلاهی البته این موضوع فقط در حد شنیده است و هنوز اقداماتی صورت نگرفته است.»

این فعال محیط زیست، با بیان این‌که تالاب امیرکلاهی عضو کنوانسیون رامسر و جزو مناطق چهارگانه و پناهگاه حیات وحش است، تصریح کرد: «این تالاب‌ها ذخیره زیستگاهی است و باید آن را حفظ کنیم، اما این روزها در جریانی افتادیم که به سمت گردشگری می‌رود که ممکن است؛ مقداری افسار گسیخته شود و این حالت نباید اتفاق بیفتد.»

وی ادامه داد: «انزلی یکی از تالاب‌های استراتژیک است و به غیر از این‌که یک تالاب بین‌المللی است، در صورتی که خشک شود پی‌آمدهای اقتصادی و اجتماعی بسیار زیادی هم برای مردم خواهد داشت یعنی اگر نخواهیم از درجه محیط‌زیست به آن توجه کنیم در صورتی که تالاب انزلی خشک شود، با مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو خواهیم شد و همین اتفاق برای خیلی از تالاب‌ها با وسعت کم یا زیاد در حال وقوع است.»

*۶۶ سد بزرگ کشور، کمتر از ۴۰ درصد آب دارند. افت بارندگی‌های سال آبی جاری موجب شده تا از میان ۱۷۷ سد بزرگ کشور، ۶۶ سد در آستانه ورود به فصل تابستان کمتر از ۴۰ درصد آب ذخیره شده داشته باشند.

به گزارش باشگاه خبرنگاران، دوشنبه ۱۴ خرداد ماه ۱۳۹۷، کاهش بی‌سابقه بارش‌ها در سال گذشته و در پی آن افت روان آب‌ها موجب شده است تا به رغم بارندگی‌های نسبتاً مناسب دو ماه اخیر در برخی از نقاط کشور، حجم ذخیره آب ۱۷۷ سد بزرگ موجود در ۶ حوضه آبریز دریای خزر، خلیج فارس، دریاچه ارومیه، فلات مرکزی، هامون و سرخس به ۲۶/۹۲ میلیارد مترمکعب برسد که در مقایسه با سال گذشته آب موجود در مخازن سدهای کشور کاهش ۱۹ درصدی پیدا کرده است.

ورودی و خروجی آب از سدها نیز متأثر از افت نزولات جوی با کاهش‌های محسوسی مواجه شده‌اند به‌طوری که ورودی به این سازه‌های آبی ۳۷ درصد و خروجی از آن‌ها نیز نسبت به سال گذشته ۳۰ درصد کمتر شده است و هم اکنون به‌طور میانگین ۵۴ درصد مخازن سدهای یاد شده دارای منابع آبی است.

در این بین از میان ۱۷۷ سد بزرگ موجود در این ۶ حوضه آبریز ۳۷ درصد از آن‌ها و به تعبیری ۶۶ سد بزرگ کشور از جمله سدهای زاینده‌رود، شهیدرجائی، ساوه و ملاصدرا در آستانه تابستان همچنان کمتر از ۴۰ درصد آب ذخیره شده دارند.

کاهش ارتفاع و ذخیره آب سدهای دارای نیروگاه برقابی موجب شده تا این مراکز نیز با کاهش تولید انرژی روبرو شوند به‌طوری که برق تولیدی ۵۳ نیروگاه برق‌آبی کشور از ابتدای امسال تا ۱۱ خردادماه به هزار و ۵۵۵ گیگاوات ساعت برسد که در مقایسه با مدت مشابه سال گذشته ۵۷ درصد کاهش داشته است.

*خبرگزاری هرانا، جمعه ۱۱ خرداد ۱۳۹۷، معاون امور تالاب‌ها در دفتر زیستگاه‌های سازمان حفاظت محیط زیست از خشک شدن ۶۰ تالاب‌های کشور خبر داد.

مسعود باقرزاده کریمی معاون امور تالاب‌ها در دفتر زیستگاه‌های سازمان حفاظت محیط زیست، در گفت‌وگو با خبرنگار ایلنا درباره وضعیت تالاب‌ها گفت: «حدود سه میلیون هکتار تالاب شامل ۱۰۵ تالاب در کشور شناسایی شده است. حدود یک میلیون و سیصد هزار هکتار از این تالاب‌ها یعنی ۳۰ درصد آن و معادل ۶۰ تالاب خشک شده است، این سی درصد در تالاب‌ها متفاوت است و به‌طور مثال در گاوخونی حدود ۹۰ درصد، تالاب ارومیه ۷۰ درصد و تالاب گندمان ۲۰ درصد خشک شده است.»

*هر سال با نزدیک شدن به پائیز و زمستان، آمارهای تکان‌دهنده و متفاوتی از مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا از سوی رسانه‌ها منتشر می‌شود که اغلب این آمارها نه تنها پایه علمی ندارند بلکه کاملاً به‌صورت غیر کارشناسانه و متناقض از سوی برخی مسؤولان اعلام می‌شود. محاسبه دقیق تعداد مرگ و میرهای منتسب به آلودگی هوا در ایران به‌دلیل نداشتن مطالعه «کوهورت» و شاخص «خطر نسبی» امکان‌پذیر نیست.

به گفته سرپرست گروه سلامت هوا وزارت بهداشت، تنها مرجع رسمی اعلام مرگ و میرهای منتسب به آلودگی هوا وزارت بهداشت است و هر گونه اعلام آمار در این زمینه غیر علمی و غیررسمی است.

نتایج تحقیقی که مؤسسه بین‌المللی «بار بیماری‌ها» در مورد آلودگی هوا و مرگ و میرهای ناشی از بیماری‌های قلبی و عروقی، تنفسی و سکنه‌های مغزی و سرطان‌ها در ایران انجام داده، نشان می‌دهد ارتباط معناداری بین مرگ و میرهای ناشی از بیماری‌های فوق با آلودگی هوا وجود دارد و آمار بالای ایست قلبی بین شهروندان تهرانی که چندی پیش از سوی سازمان بهداشت‌زها (س) اعلام شد گویای افزایش میزان آلاینده‌های زیست محیطی و به‌دنبال آن مرگ و میرهای منتسب به ذرات کمتر از 2.5 میکرون در پایتخت است.

براساس اعلام سازمان بهداشت جهانی روزانه ۸ هزار نفر در دنیا به‌خاطر آلودگی هوا جان‌شان را از دست می‌دهند. در ایران هم مطالعات اپیدمیولوژی نشان می‌دهد از هر ۱۰ مرگ، یکی بر اثر آلودگی هوا است. آیا تحقیقی در ارتباط بین اپیدمیولوژی و آلودگی هوا انجام شده است؟

رئیس کمیسیون عمران شورای شهر تهران، اعلام کرده بود هفته‌ای ۵۰۰ نفر در تهران بر اثر آلودگی هوا می‌میرند. آمار سال ۲۰۱۴ که سازمان بهداشت جهانی به‌طور میانگین در ایران محاسبه کرده و ۲۰۱۶ ارائه شده مرگ منتسب به آلودگی هوا ۲۶ هزار و ۲۶۷ نفر بود. البته روی این تعداد هم بحث است.

* ایسنا، شنبه ۲ دی ۱۳۹۶، نوشت: معضل آلودگی هوا که رتبه پنجم را میان عوامل موثر در مرگ و میر به خود اختصاص داده، سالانه $2/48$ تا هفت درصد تولید ناخالص داخلی کشورها را می‌بلعد تا صرف عوارض ناشی از آن شود.

ذرات کوچکتر از 2.5 میکرون مهم‌ترین و در عین حال نگران‌کننده‌ترین آلاینده‌های هوا به شمار می‌روند. طبق اعلام مسئولان، در کشور ما، $2/48$ درصد تولید ناخالص ملی معادل ۳۴ هزار میلیارد تومان صرف عوارض ناشی از آلودگی هوا می‌شود؛ به‌طوری که ریزگردها و همچنین آلاینده‌های هوا ۳۸ میلیون نفر از جمعیت کل کشور را در معرض درجاتی از آلودگی هوا قرار می‌دهند.

طبق اظهارات عباس شاهسونی - سرپرست گروه «سلامت هوا» مرکز محیط و کار وزارت بهداشت- «در ایران سالیانه حدود ۳۷۰ هزار مرگ داریم. از این تعداد در سال ۹۴، ۱۲ هزار و ۸۹۷ نفر مرگ منتسب به ذرات معلق بوده و البته در برخی شهرها مثل اهواز میانگین ذرات معلق $2/5$ میکرون شش برابر حد استاندارد است. بنابراین نمی‌توان اعداد و ارقام به دست آمده در این محاسبه را به سایر شهرها نیز تسری داد.»

به گفته او، آمار مرگ و میر ناشی از آلودگی هوا در تهران در سال ۹۵ نهایی شده است. بر اساس محاسبات صورت گرفته در سال گذشته، ۴۸۱۰ مرگ منتسب به آلودگی هوا در تهران ثبت شده است.

اما سؤال آن است که این آلاینده‌های کوچکتر از $2/5$ میکرون که بیش‌ترین نگرانی نیز به آن‌ها مرتبط است، چه تغییراتی می‌توانند در بدن ایجاد کنند؟

رئیس کارگروه سلامت هوای وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی از مرگ ۴ هزار و ۸۱۰ نفر از ساکنان تهران بر اثر آلودگی هوا در سال ۹۵ خبر داد.

آمار وزارت بهداشت از مرگ‌های ناشی از آلودگی هوا حکایت از این دارد که در سال ۹۵، ۲۰ هزار مرگ مرتبط با آلودگی هوا در کشور ثبت شده که سهم تهرانی‌ها از این ماجرا، ۵ هزار مرگ بوده است. این آمار در حالی اعلام می‌شود که پائیز سال ۹۵، میزان مرگ ناشی از آلودگی هوا در سال ۹۴، ۱۲ هزار و ۸۹۷ نفر عنوان شد که در مقایسه با آمار جدید، نشان از افزایش هفت هزار و ۱۰۳ موردی دارد.

*ایسنا، ۱۳ تیر ماه نوشت: از میان ۱۱۵۷ شهر ایران، ۳۳۴ شهر با جمعیتی بالغ بر ۳۴ میلیون نفر با مشکلات کم‌آبی مواجه هستند. به همین دلیل، دولت دو هفته گذشته حدود ۱۰۲۰ میلیارد تومان به منظور اجرای ۱۱۹۵ پروژه در ۲۸۰ شهر برای کاهش تنش آبی اختصاص داده است.

روزهای گرم تابستان امسال در حالی آغاز شده که میزان بارش‌های کشور از ابتدای سال آبی تاکنون به ۱۶۷ میلیمتر رسیده که در مقایسه با مدت زمان مشابه سال گذشته ۲۶ درصد و در مقایسه با مدت متوسط دراز مدت ۳۰ درصد کاهش داشته است.

* ایسنا، سه‌شنبه نوزدهم تیر ۱۳۹۷: اسحاق جهانگیری، معاون اول رئیس جمهوری ایران، سه‌شنبه نوزدهم تیر ۱۳۹۷، در بازدید از اصفهان گفت که بحران آب مختص اصفهان نیست و به مسأله‌ای سراسری در کل ایران تبدیل شده است. او ابراز امیدواری کرد که به یاری مردم و مسؤولان راحلی برای معضل به دست آید.

علی مریدی، کارشناس مدیریت منابع آبی، در گفتگو با ایسنا، خبرگزاری دانشجویان ایران، گفته است که بحران آب در ایران واقعی و جدی است و اثبات آن با آمار و ارقام میسر است.

او گفته است که یکی از شاخص‌های تشخیص بحران آب نسبت میان «میزان مصرف آب» و «میزان آب موجود» است به‌طوری که اگر عدد به‌دست آمده از این نسبت به ۰/۹ برسد، می‌توان گفت که کشور وارد بحران آب شده است. علی مریدی در ادامه افزوده است که اکنون در برخی از شهرهای کشور مثل مشهد و اصفهان نسبت مصرف آب به‌میزان آب موجود از عدد یک نیز فراتر رفته است که به‌معنای اضافه برداشت از آب‌های زیرزمینی و از بین رفتن تدریجی آن‌ها است.

علی مریدی، تأکید کرده است که اگر روند مصرف آب به‌همین شکل ادامه یابد و میزان برداشت از آب‌های زیرزمینی بیش از پیش افزایش یابد، بحران آب تبدیل به بحران امنیتی و بحران امنیتی تبدیل به بحران امنیت غذایی و اجتماعی می‌شود.

در بحبوحه این بحران، دولت عراق فاش کرد که حکومت اسلامی ایران، مخفیانه آب‌های شیرین مناطق جنوبی کشور را به بصره منتقل می‌کرده و با بالا گرفتن بحران آب در مناطق جنوبی ایران صدور آب به عراق را متوقف کرده است. احمد محبوب، سخنگوی وزارت امور خارجه عراق با تأیید این مطلب گفته است که حکومت ایران بدون هشدار قبلی آب ۴۲ رودخانه را که به عراق منتقل می‌شده قطع کرده است و به این ترتیب عراق را با بحران آب روبه‌رو ساخته است.

اینک اما قطع گسترده برق نیز به‌بحران آب در ایران اضافه شده و به‌معضلی ملی بدل گشته است. تسنیم، خبرگزاری وابسته به سپاه پاسداران، افزایش میزان مصرف برق نسبت به‌مصرفیت عملی تولید آن را موجب خاموشی‌های چندساعته در کشور از جمله در تهران دانسته به طوری که اکنون وزارت نیرو روزانه جدول قطع برق در مناطق مختلف پایتخت را منتشر می‌کند.

به گزارش «اقتصادنیوز»، فقدان تعادل میان درآمدها و هزینه‌های صنعت آب و برق به بزرگترین و پرچالش‌ترین فعالیت‌های وزارت نیرو تبدیل شده است. اقتصادنیوز، تأکید کرده است که حدود ۶۰ درصد برق مورد نیاز کشور را شرکت‌های وابسته به سپاه پاسداران، بنیادها و سازمان تأمین اجتماعی تولید می‌کنند که دولت از آن‌ها به‌عنوان «بخش خصوصی» یاد می‌کند.

وزارت نیرو به دلیل ضررهای پیاپی در نتیجه فروش زیرقیمت برق توان پرداخت مطالبات این نیروگاه را ندارد. یعنی در واقع به این نیروگاه‌ها بدهکار است و به همین دلیل صاحبان جدید نیز هیچ انگیزه‌ای برای نوسازی نیروگاه‌های موجود یا احداث نیروگاه‌های جدید ندارند.

حمید چیت چیتیان، وزیر پیشین نیرو در دولت حسن روحانی گفته است که دولت‌های پیاپی شماری از نیروگاه‌های وزارت نیرو را در ازای بدهی‌های خود، به وزارت دفاع، بنیاد شهید و سازمان تأمین اجتماعی واگذار کرده‌اند، در حالی که پرداخت اقساط وام‌های مربوط به احداث این نیروگاه‌ها، همچنان بر عهده این وزارتخانه است. اما، از آنجا که وزارت نیرو توان پرداخت همین اقساط را نیز ندارد، قریب ۶۳۰۰ میلیارد تومان از بدهی‌های وزارت نیرو به دولت منتقل شده است. با این حال، دولت نیز سالانه ۴ هزار میلیارد تومان از درآمدهای شرکت آب و برق را به پرداخت یارانه‌های نقدی اختصاص می‌دهد.

* بررسی وضعیت مخازن سدهای کشور نشان می‌دهد مجموع حجم کنونی پنج سد بزرگ مخزنی استان تهران بالغ بر ۶۲۸ میلیون متر مکعب بوده که در مقایسه با ۸۳۱ میلیون مترمکعب حجم مخازن سال گذشته با کاهش ۲۴ درصدی روبرو بوده است.

در این میان حجم آب ورودی به سدهای لار، طالقان، کرج، لتیان و ماملو از ابتدای سال آبی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ حدود یک‌هزار و ۱۷۰ میلیون متر مکعب اعلام شده و خروجی آب از این سدها در مقایسه با سال آبی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ به دلیل کسری مخازن با کاهش ۲۰ درصد مواجه بوده است.

هم اکنون ۶۷ درصد از حجم مخازن سدهای تهران خالی بوده و نسبت به ذخیره سال آبی ۱۳۹۵-۱۳۹۶ حدود ۲۴ درصد کمتر است. این گزارش حاکی از آن است که حجم مخزن سد لار ۶۳ درصد، سد طالقان ۱۱ درصد، سد کرج ۵ درصد، سد لتیان ۴۳ درصد و سد ماملو ۳۴ درصد کمتر از سال آبی گذشته اعلام شده است. (منبع: خبرگزاری میزان، ۲۰ مهر ۱۳۹۷)

* حفاظت محیط زیست میاندوآب اعلام کرد که به سبب ورود پساب آلوده کارخانه قند این شهرستان به داخل رودخانه زرین‌رود و عدم تخصیص حق‌آبه اکولوژیستی رودخانه هزاران ماهی در این رودخانه از بین رفته‌اند. رودخانه زرین‌رود با طول ۳۰۲ کیلومتر یکی از طول‌ترین و پرآب‌ترین رودهای شمال غرب ایران است. زرین‌رود از کوه‌های چهل چشمه در سقز سرچشمه می‌گیرد و پس از گذر از شهرستان‌های بوکان، شاهین‌دژ و میاندوآب در جنوب دریاچه ارومیه ضمن تشکیل یک دلتای وسیع به عرض حدود ۱۰ کیلومتر در مراتع باتلاقی تالاب قره قشلاق به دریاچه ارومیه می‌ریزد. در سال‌های اخیر به دلیل رسوب‌گذاری، حجم عظیمی از آب زرین‌رود به دریاچه ارومیه نمی‌ریزد. اکنون آلودگی این رودخانه بزرگ هم به سایر مشکلات اضافه شده است.

علیرضا بقالی، رئیس اداره حفاظت محیط زیست میاندوآب پنجشنبه ۱۲ مهر ۹۷، از مرگ و میر «صدها هزار ماهی» در رودخانه زرین‌رود خبر داده است.

این مقام مسؤول در گفت‌وگو با خبرگزاری جمهوری اسلامی گفته است که کارشناسان محلی از آلاینده‌های زرین‌رود نمونه‌برداری کرده‌اند. نتیجه آزمایش‌ها هم مشخص شده است. بقالی به ایرنا گفته است:

«آزمایشگاه اداره کل حفاظت محیط زیست استان مشخص کرد که ورود پساب آلوده کارخانه قند میاندوآب به داخل آب این رودخانه موجب افزایش بار آلی و کاهش میزان اکسیژن محلول آب شده و تلفات گسترده ماهی‌ها و انواع آبزیان را به دنبال داشته است. در این حادثه امور منابع آب میاندوآب نیز به علت آن‌که حق‌آبه زیست‌محیطی رودخانه زرین‌رود را اختصاص نداده، مقصر است.»

۵ متر مکعب در ثانیه حق‌آبه اکولوژیستی زرینه‌رود از سد «نوروزلو» است.

سد انحرافی «نوروزلو» در پانزده کیلومتری شهر میاندوآب در مسیر جاده میاندوآب به شاهین‌دژ و در کنار روستائی به نام نوروزلو قرار دارد. این سد در سال ۱۳۴۶ توسط یک شرکت اتریشی بر روی رودخانه زرینه‌رود ساخته شد و آبیاری ۸۵ هزار هکتار از اراضی میاندوآب به آن وابسته است.

به‌گفته رئیس اداره حفاظت محیط زیست میاندوآب یک هفته قبل از آلودگی زرینه‌رود، به مدیریت امور منابع آب شهرستان میاندوآب هشدار داده شده بود که در صورت عدم رهاسازی حق‌آبه رودخانه، ممکن است یک فاجعه زیست‌محیطی اتفاق بیفتد اما مسئولان به این هشدارها توجه نکردند. کارخانه قند میاندوآب هم با ریختن پساب به زرینه‌رود دامنه این بحران را وسیع‌تر کرده است.

دادستان عمومی و انقلاب شهرستان میاندوآب به‌عنوان مدعی‌العموم به این فاجعه زیست‌محیطی ورود پیدا کرده و پرونده‌ای نیز در این زمینه در دستگاه قضائی شهرستان میاندوآب تشکیل شده است. کارخانه قند میاندوآب در سال ۱۳۹۳ نیز در حادثه‌ای مشابه به‌علت وارد کردن پساب خود به داخل این رودخانه و مرگ هزاران ماهی، مقصر شناخته و به پرداخت فقط ۸۰ میلیون تومان جریمه نقدی محکوم شد.

در نتیجه‌گیری می‌توان تأکید کرد که خشک شدن دریاچه‌ها و تالاب‌ها و آلودگی هوا، از عوامل مهاجرت‌های دسته‌جمعی هستند. کارشناسان سال‌هاست که هبه حکومت اسلامی ایران درباره عواقب خشک‌سالی و آلودگی هوا هشدار داده اند اما تا به امروز نه تنها بهبودی در وضعیت منابع آب، جلوگیری از گسترش خشک‌سالی، تغییر در شیوه مدیریت مصرف و برنامه‌ریزی برای حفاظت از دریاچه‌ها و تالاب‌ها حاصل نشده، بلکه با کاهش نزولات جوی، وضعیت بحرانی‌تر هم شده و خشک‌سالی جز کوچ اجباری برای ساکنان خوزستان و حاشیه کویر راه دیگری باقی نگذاشته است، تا جایی که عبدالرضا رحمانی‌فضلی، وزیر کشور، هم درباره مهاجرت عظیم از استان‌های دچار خشک‌سالی به استان‌های مرکزی و شمالی کشور هشدار داده است. تالاب‌های کشور که از مهم‌ترین منابع تأمین آب برای مردم شهرهای اطرافشان به‌شمار می‌روند، یکی بعد از دیگری تبدیل به زمین شده‌اند که نه آب دارد و نه حیات. کمبود آب زندگی ساکنان حاشیه کویر را مختل کرده و مردم یک به یک مهاجرت می‌کنند.

پدیده بیابان‌زائی، جنگل‌زدائی، خشک‌شدن تالاب‌ها، خشک‌شدن دریاچه‌ها، نتیجه سوءمدیریت ناصحیح منابع آب در کشور و به راه افتادن موج سدسازی در چند دهه اخیر در ایران اتفاق افتاده است. به‌گفته مسئولان حکومتی، در حال حاضر ۳۰۰ هزار حلقه چاه غیرمجاز در ایران وجود دارد. با این وجود، در دوره هشتم مجلس شورای اسلامی، مجوز حفر ۱۰۰ هزار حلقه چاه تصویب و صادر شد که همه این موارد نشان می‌دهد مدیریت منابع آبی کشور اولویت ۴ دهه اخیر در ایران نبوده است.

نتایج یک پژوهش که چند سال پیش توسط دفتر صندوق جمعیت سازمان ملل در ایران صورت گرفته نشان می‌دهد که سالانه به‌طور متوسط یک میلیون نفر در داخل مرزهای ایران جابه‌جا می‌شوند. آن هم در شرایطی که بیش از نیمی از سکونت‌گاه‌های روستائی ایران از سکنه خالی شده است و هم‌زمان جمعیت حاشیه‌نشینان ایران دو برابر؛ اگر ابتدای دهه ۸۰، جمعیت حاشیه‌نشینان این کشور نفت‌خیز هفت میلیون نفر بود، در حال حاضر به گواهی مقامات مسئول این رقم به ۲۰ میلیون نفر رسیده است، عددی معادل بیش از یک‌پنجم جمعیت ایران.

اما در ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی ایران، نه گوش شنوا و چشم بینا وجود دارد و نه چشم‌اندازی در کار است: میانگین افزایش دما به‌دلیل تغییرات آب و هوایی در ایران دو برابر میزان جهانی و بین ۱/۵ تا ۲ درجه سانتیگراد

است، این در حالی است که میزان بارندگی سالانه ۲۰ درصد کاهش یافته است. بدین ترتیب اگر چاره‌ای اندیشیده نشود یک دوجین از ۳۱ استان ایران در آینده نزدیک غیرقابل سکونت خواهد شد.

همین حالا نیز رودخانه‌های اصلی ایران همچون کارون و زاینده رود با کاهش شدید آب و خشکیدگی مواجه‌اند. ۶۷ درصد مساحت تالاب‌های ایران از بین رفته است و در سراسر کشور ۷۸۰ هزار حلقه چاه، آخرین ذخایر آبی، یعنی سفره‌های آب زیرزمینی را از عمق زمین بیرون می‌کشند.

اما پدیده مهاجرت‌های اقلیمی تنها مختص ایران نیست. اکثر منابع آبی خاورمیانه در ۲۵ سال آینده ته می‌کشد. در یک سطح نتیجه طبیعی این وضع بیابانزائی و ریزگرد و غیره خواهد بود و پیامدهای انسانی‌اش هم مهاجرت اقلیمی، جنگ داخلی و اعتراضات اجتماعی. پدیده‌ای که پیشاپیش در برخی کشورهای آفریقایی مرکزی، خاورمیانه و البته سوریه تا حدی تجربه شده است.

به‌قول «ای ام اُهاگان»، مهاجرت اقلیمی در حال تبدیل شدن به‌شکلی انطباقی (form of adaptation) از رابطه انسان با محیط زیست است؛ مهاجرت‌هائی که دیگر یک «وضعیت استثنائی» نام نمی‌گیرد، بلکه آغاز پارادایمی جدید است که در آن مهاجرت «وضعیت طبیعی» روزگار ما خواهد بود.

بیست و ششم مهر [میزان] ۱۳۹۷ + هجدهم اکتوبر ۲۰۱۸

ادامه دارد.